

## مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمایی روز شنبه

# خاطره قیام ضد امپریالیستی سی تیر را

## گرامی میدارند

● راهپیمایی تهران - ۶ بهمن از ظهر روز شنبه ۳۰ تیر از دانشگاه تهران بطرف میدان توپخانه قدیم

گذشته از یادآوری هاوار خودگذشتگی هائی که مردم از خود نشان دادند، سی ام تیر خلیج فارس و جنگ و جدت و یکپارچگی خلق ایران در مقابل امپریالیسم و ارتجاع بقیه در صفحه ۸

به احاطه بودند سی ام تیر کسی از روزهای تاریخی سپهر مان که خاطره آن هیچگاه از آذهان مردم ایران زدود نخواهد شد. اهمیت این روز در این است که

و هفت سال پیش در سی ام تیر ما شاهد قیام شکوهمند خلق دوزخ بودیم که برای مقابله با امپریالیسم و ارتجاع داخلی این قوام السلطنه و دربار



تیرهای ساندنیست آخرین بقای رژیم سرسزده آمریکا را درهم شکسته و می روند تا با اختتام جامعه نویینی را پایه گذاری کنند.

## امپریالیسم آمریکا و عوامل آن همه تلاش خود را برای نابودی انقلاب ایران بکار گرفته اند

سطحهای فروزان خصم انقلابی ستمکشان در سراسر ایران ریانه می کنند و اسرری سکران کارگران و زمینداران را چون صاعقه های بنایی بر فرو امپریالیسم و ارتجاع می کوبد. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عوامل آن همه قدر خود را برای خاموش کردن آتش فشان خروشان انقلاب که از دل های پر کینه مسلوبینها زن و مرد ستمکش ایرانی نیرو می گیرد بکار گرفته اند و همه توان خود را برای نابودی نورات انقلاب مردم ستمدیده ایران بسیج کرده اند.

امپریالیسم آمریکا از یک طرف برای ادامه غارت و جباول نیروی کار و منابع طبیعی خلیج فارس، دم از اعزام نیرو به خلیج فارس و اسفان جاهل های نفست ایران می زند و برای سرکوب کارگران و زمینداران ایران و جلوگیری از ادامه مبارزات آنان نیروی ویژه تدارک می بپند و از سوی دیگر همه دستگاه های جاسوسی و رزید خود را برای جلوگیری از وحدت کامل کارگران و زمینداران ایران بسیج کرده است. این روزها در تالارهای وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا و در انبوهی از دروسه سازمان "سیا" و سازمان جاسوسی اسرائیل (موساد) نقشه ها و بوطه های دوسو و بقیه در صفحه ۲

## مصاحبه با کارگران و اعضاء شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

در صفحه ۵

### کارگران دختانیات:

## دولت تولیدات داخلی را کاهش داده، سیکار خارجی وارد میکند

کارگران دختانیات می گویند: دولت کارخانه های تولید سیکار داخلی را به صورت سهم معضیل بر آورده، کارگران را اخراج می کند و در عوض روزانه دهها هزار کارتن سیکار خارجی وارد می کند. مگر این سیکارها ساخت کشورهای آمریکا و اسرائیل نیست؟ پس چرا دولت بدین وسیله اقتصاد کشورهای امپریالیست و صهیونیست را تقویت می کند؟ بقیه در صفحه ۸

## گزارشی از مراسم بزرگداشت روز ۲۳ تیر، روز نفتگران

گرامی داشت روز ۲۳ تیر از طرفی کارگران پیشرو در سالن ورزشی دانشگاه شریف با حضور هزاران نفر کارگران و زمینداران تبریز برگزار شد. روز خونین ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ کارگران مناطق نفت خیز جنوب که بالغ بر صد هزار نفر بودند خواستار قطع نفوذ کمپانی نفت در امور سیاسی ایران و بقیه در صفحه ۲

## پیام جنبه خلق برای آزادی فلسطین

به مراسم بزرگداشت شهدای اعتصابات نفتگران ایران از طریق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

وقتی در ماستی یاد شهیدان خوش رازج می نیم و به راهی که آنان دم گذاشته و به نهالی که با خون گریختن آبیاریش کرده اند می نگرم، اسوارتسر از پیش خود را برای ادامه نبرد تا پیروزی آماده می کنیم و این امر اعم از فلسطین تا ایران، در همه حاصدی می کند. اعتصابات رزم گونه کارگران صنایع بقیه در صفحه ۲

## طرد و اخراج عناصر ضد مردمی نشانه اراده توده ها است

پس از قیام بهمن مسئله پاک سازی و طرد عناصر ضد کارگر و ضد خلق در سطح جامعه، در کارخانه ها، روستاها و ادارات دولتی مطرح شد. این مقاله می گویند به بررسی کوتاهی از این مسئله که اینک نیز همچنان موضوع روز است، بپردازد. شروع مجدد کار، کارگران که می خواستند تمام آثار رژیم شاه را نابود کنند و امکان به بیراهه کشیدن انقلاب را از بین ببرند، مسئله تصفیه و پاکسازی را مطرح کردند. زیرا آنها می دانستند عامل و باعث اختناق رژیم سابق تنها شاه و درباریان نبوده اند، بلکه شبکه وسیعی از همین مزدوران خود فروشان، آن فضای خفقان آور را به وجود آورده بودند. به همین دلیل شوراها کارگری، تصفیه و پاکسازی را در دستور کار خود قرار دادند. تا اینکه در روز ۲۹ اردیبهشت، نخست وزیر دولت موقت طی مصاحبه ای اعلام کرد که کمیته های اعتصاب و شوراهای چگونگی تقی در اداره کارخانه ها ندارند و به این ترتیب گوشید از اخراج عناصر سرسپرده رژیم پیشین جلوگیری کند و این کار از جنس دولتی بعید نبود. ولی طبقه کارگر که مبارزات بقیه در صفحه ۱۱

### سام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## به جنبه آزاد بخش ساند نیست و دولت موقت انقلابی خلق نیکارگونه

رفقای رزمیده! پیوندهای میان خلقهای فهراسان به سانه مسابیت بیروزی های نیکارگونه و ایران در جهت مبارزه در جانشان غنم رژیم خائن "سوموزا" ستمکشان علیه امپریالیسم بین المللی اس مزدور سرسزده امپریالیسم آمریکا به سرکردگی آمریکا و مزدوران داخلی شان و به مناسبت اتحاد دولت موقت انقلابی می توانند و باید هر چه مستحکمتر شود. ما صبحانه تیریک می گوئیم. بقیه در صفحه ۱۰

## از این هفته نشریه کار در ۲ شماره منتشر می شود

هموطنان مبارز! ما بوجه به اینکه می دانیم نفس واحد روزنامه ای ده بنیواند در جهت بسپرد آرمایا و اهداف کارگران، دهقانان و زمینداران کام بردارد. بر آگاهی آنها بفرزاید و در رسید و کسرتن مبارزاتشان موبر باشد. به ویژه در شرایط حاصبر ضرورت سار ریادی دارد. اما نشریه کار هنوز از نواقص و کمبودها مبرانست و نتوانسته است آنگونه که انتظار داریم به این نیازها پاسخ گوید. هر چند مفضلن هشتم تلاش جسکی ما بذیر رفقا و هم منهای مبارز که ما را در تهیه و تدوین مطالب، گزارشات و اخباریاری می رسانند. می تواند نواقص را کمتر کرده به عنای بیشتر نشریه بفرزاید. ما همانگونه که در نخستین شماره نشریه کار گفته بودیم، بخاطر ارساط نزدیکتر با همگان، از نشریه بیشتر از مطالبات هم رفقا از این نشریه شریه کار را درود. (ده نهمه ۵ وینجشمه ها) منتشر کرده و تلاش خواهیم کرد در آینده با کمک شما در بالا بردن هر چه بیشتر کیفیت آن بکوشیم. همچسن لازم به بوضوح است که بدعت تغییراتی که در صفحات صورت می گرد حجاب مقالات برویجی در شماره آینده ادامه خواهد یافت.

# پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# چه کسانی از اتحاد و همبستگی کارگران در هراس هستند

چه کسانی از اتحاد و همبستگی کارگران در هراس هستند؟ و چرا از تشکیل سندیکای واقعی و اتحادیه های کارگری وحشت می افتند؟ چرا به هر تهمیتی و افتزای ناخوانده های دست می زنند و ناکارگران را از خدمتکار خود جدا ساخته و مانع تشکل آنان در یک شورای متحد و کارگری شوند؟

آگاهی روش فکری طبقه کارگری گانه ضامن پیروزی انقلاب تا مرحله نهایی آن است. فقط کسانی که از ادامه انقلاب تشا رسیدن به عدالت اجتماعی و از بیسی بودن هر نوع استثمار فرد از فرد را ناکند و به سمیاتی و نفاق افکنی در بین کارگران اقدام می کنند. ما اکنون به شناخت این افراد پرداخته و سوختن آنان را بهسرای کارگران عزیز روشن می سازیم تا خود تفاوت نمایند.

در درجه اول دشمنان طبقه کارگر مردم ایران سرمایه داران وابسته به خارج و سرمایه داران اداری (مدیرکل ها، سران لشکری و کشوری) که میلیون ها ثروت ملت ایران را از طریق چپاول و ارتشآورد و بند با مفاطمه کاران خارجی و فوق الذکر هستند و همچنین خائنین به فرار کرده و طبقه باعواملشان هنوز برای زمین بردن آثار انقلاب به اشکال گوناگون توطئه چینی می کنند.

عده دیگری کسانی هستند که از گسترش دامنه انقلاب با بهتر بگوئیم استثمار و ادامه انقلاب تا به مرحله عدالت اجتماعی آنان راه و حجت انداخته و به فکر چاره حوئی می اندازند اینها به قول معروف کسانی هستند که فکر می کنند به سرتوبه شان رسیده اند. اینان از دیکتاتوری شاه و دارو دستخیز ناراضی بودند و به همین

ناسف انبساط که بسیاری از کارگران صادق و ناکاه تحت تاثیر این تبلیغات سو قرار گرفته و برخلاف منافع خودشان و جامعه شان عمل می کنند. من به عنوان یک کارگر، که سالها سرمحیط کار با اشخاص گوناگون سروکار داشته و در طول این مدت تجربه هائسی اندوخته ام از دوستان کارگرا ن انتظار دارم واقع بینانه، که خلعت اسلکی کارگری است. به مسائل روز برخورد کنند و در باره گفتار این و آن تعمق بیشتری بکنند. نخریاتی که در دستشان می رسد مطالعه کنند تا نگاه خوب بد، درس و نادرست را در میان آنها دریابند. چشم بستند دنبال این و آن نروند و خود همانند یک فرد بالغ و مایل دربار خود شان تصمیم بگیرند.

هر طبقه منافع مخصوص به خود دارد. هیچگاه کارخانه دار، تجار، مدیران کل و حتی سرپرستان کلاهی منافعشان با منافع کارگری نیست. پس نباید اجازه داد که این افراد با عواملشان برای کارگر تعیین تکلیف کنند. این خود کارگر است که باید منافع خودش را در قالب منافع ملتش تشخیص دهد و برای بدست آوردن آن تلاش کند. من از تمام دوستان و کسانی که نسبت به سرنوشت انقلاب کشورشان و منافع زحمتکشان علاقه مندند صمیمانه خواهانم به نوبه خود به رشد آگاهی طبقه کارگر که بهترین پشتوانه انقلاب است، همت بکنارند، و کسانی که مانع آن می شوند که به کارگران آگاهی داده شود به عنوان ضدانقلاب از بین خود طرد کنند.

نامه یک کارگر از کارخانه دوبر آهن اصفهان

## امپریالیسم آمریکا و عوامل...

حساب شدهای علیه مبارزات خلقهای ایران تهیه شده و در دست تهیه اند.

مبارزات گفته ایم و بازمی گوئیم که یکی از کثیف ترین هدفهای امپریالیسم

منحرف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی خلقهای ایران از طریق

ایجاد نفاق میان مردم ستمدیده ما و برآوردن ناخشن جنگهای داخلی و برادر کشی است.

ایجاد و تقویت گروههای شبه فاشیستی فشار، تلاش برای احمای شیوههای

پلمسی گذشته، جلوگیری از درگیری در ارتش و احمای آن به شیوه پیشین، ترویج

روشهای خشن و تروریستی، ایجاد کانونهای آشوب که ادامه آن خطر جنگ

داخلی را افزایش می دهد، پخش اخبار یکجانبه و تحریک آمیز، توطئه بر علیه

سازمانهای انقلابی و مبارز... همه و همه اجزای بهم پیوسته نقشه حساب شده

و ماهرانه ای است که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از اتحاد

کامل کارگران و زحمتکشان ایران، منحرف ساختن مبارزات ضد سرمایه داری و وابسته

و ضد امپریالیستی مردم و به شکست کشاندن انقلاب ایران تدارک دیده و اینک

سادقت تمام و کام به کام به کمک عوامل خود و با تکیه بر ناآگاهی برخی

از مردم که خود قربانی سالهای سیاه سلطه امپریالیسم هستند، به مرحله اجرا

در آورده است.

خلقهای ایران، کارگران، دهقانان و نیروهای انقلابی ایران تنها در سایه

وحدت راستین خود و حفظ هوشیاری انقلابی خویش خواهند توانست مبارزات

ضد امپریالیستی خود را تا محو کامل سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی

امپریالیسم به پیش برند.

تجربه مبارزاتی خلقهای زیر سلطه جهان به ویژه تجربه مبارزات اخیر مردم

قهرمان ما به خوبی نشان می دهد که اگر توطئه های امپریالیسم به موقع افشا شود و اگر

اتحاد همه کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی ادامه یابد همه تجاوزگران

مزدور امپریالیسم و همه سلاحهای پیشرفته دشمن در درباری بیکران خشم انقلابی

تودها غرق خواهد شد.

بگوئیم تا همه توطئه گران و همه دشمنان انقلاب ستکشان را افشا کنیم و صفوف

متحد کارگران، زحمتکشان، پرسنل انقلابی ارتش و نیروهای انقلابی را تحکیم

بخشیم.

بقیه از صفحه ۱

## گزارشی از مراسم بزرگداشت...

که به کارگران می گوید شفافیت و نلیف ه دانستید که با انعامات کمر شکن خود رزبه پهلوی راه خاک سپارید و اکنون دیگر باید به کارخانه ها و کارگاهها پتان برگردید. در این روز صفر نظارت از پیمانهای که خوانده شد پیمانهای متعددی به کارگران پیشرو از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق "نشریه پیشواز، پیام کارگران پیشرو صنایع فولاد اهواز، گروهی از کارگران کارخانه مینو، کارگران منطقه سلاح کارکنان پیشرو صنعت نفت اهواز... رسید. طی مراسم، یک گروه تحریک شده نخست سعی کردند وارد سالن شوند که با مقاومت کارگران و انتظامات مواجهه شدند. پس از پایان مراسم هنگام ترک محل همین افراد با چاقو به طرز قبحانه ای به شرکت کنندگان هجوم آورده و چند تن را مجروح ساختند. شیوه کارگران در تمام مدت مراسم که تا ساعت ۵ به طول انجامید به منظور عدم برخورد و حوادث ناگوارتر، صبر و شکیبائی بود.

بقیه از صفحه ۱

## مراسم بزرگداشت...

است و چهره کره امپریالیسم و ارتجاع سواست منطقه در پشت آن نهفته است. همان سواست... ما همین هم و امید انقلابی است که اینبار نیز با صدای رسا اعلام می کنیم که خلق فلسطین و نیروهای انقلابی آن همچون گذشته همواره در کنار مبارزات قهرمانانه شاد در راه تحکیم آزادی استقلال و بنای ایرانی انقلابی استاده دشمن ما یکی است. امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع و راه ما یکی است. ستیزهای قاطع با همه آنها و این ممکن نیست مگر با صفوف فشرده و رزم جوی باد روهای مبارزه مشترک جبهه خلق برای آزادی فلسطین ۳۰ جولای ۱۹۷۹ ۲۳ تیر ۱۳۵۸

## نامه یک کارگر زن: مراجعه برای استخدا م

صبح روز ۲۸ خرداد برای استخدا م به کارخانه ری، او، واک واقع در کپولتر ۸ جاده کرج رفتم. دم در تلفنی پرسیدند که آیا کارگری می خواهید یا نه؟ گفتند بلی و همراه یک کارگر فرستادند کارگری، مرا نزد خاتمی بردند و او با محبت مرا نزد خانم دیگری که خیلی ناراحت به نظر می رسید برود. خانم اخموی مقدمه شروع کرد که روزی ۲۲ تومان میدن - ۳۰۰ تومان حق میکن. حق خواربار یک پنجاه درمیان تعطیل است، باید یک سال اینجا کار کنی و الا یک ماه از حقوق کسری شود. حرفش که تمام شد کسری کرد و پرسید چرا می کار کنی؟ گفتم تا من نمی شویم پرسید، شوهر داری؟ گفتم بلی. گفت - حامله هستی؟ گفتم نه. گفت بچه داری؟ گفتم نه.

گفت شوهرت چهار ماه است و کجا کار می کنی؟ گفتم که آدرس را بلد نیستم خوشش نیامد. و شروع کرد به برگردن فرم که تا فهمید شن کلاسی سواد دارم گفت، با چاقو زودتر بگفتی و کاغذ را جلو م برت کرد و گفت سبب برنشتن سرور و بنوش با حالت خیلی تحقیر آمیزی این حرفها را زد. فرم را برداشتم و رفتم به سرورن سوالاتی که نظرم را جلب کرد، یکی این بود که آیا حاضر هستی کارهای سخت را انجام بدهی و آیا زندان بوده ای؟ و دیگری سفر معروف می خواستند که از سنگسار نباشد. این قسمت را الکی پر کردم. یکی از حرفها را هم بیگانه ذکر کرده بودم. به هر حال مرا نزد مرد سمار چاقی بردند و او خواند. گویا موافق بود و قرار شد که یک رضایت نامه از طرف شوهرم بپریم. کارم تمام شد. مرا با بیرون فرستادند که منتظر بمانم. این انتظار حدود یک ساعت طول کشید و دست آخر آمدند و شماره تلفنی دادند که فردا تماس بگیرم. فهمیدم موافقت نکرده اند. برای آنها روز بعد تلفن کردم و گفتند کارگر نمی خواهید می خواهم بدانم آیا سواک کسری برای شناسائی افراد داده است که آنها هنوز همان سیستم حفاظت برقرار است؟

## نامه گروهی از کارگران نساجی شماره ۲: تگدارید عناصر مرتجع به داخل کارخانه نفوذ کنند

مومنی بگذارند در میان مار خنه کنند، ما راتحت کنترل نگهداشته باشند. و منتظر هستند تا حرفی از دهان ما کارگران خارج شود تا اوضاع انقلاب معرفی کنند. پس بعد از این وظیفه ماست که اینگونه افراد را از میان خود دور کنیم. باید محتاط یک سندیکای واقعی به وجود بیاریم که در آن سندیکای افراد پاک و صادق و آگاه به حقوق صنفی، نمایندگان ما باشند. ما باید به دوستان کارگران حالی کنیم که دیگر کسی حق ندارد ما را با سلسل برساند محتما شنیدن نام کسی که کارگران را ضد انقلاب معرفی می کند و ما را با سلسل تهدید می کند تعجب خواهد کرد. بلی نام آن شخص محمود خان میرزا است ایشان خیلی به خودش می نازد. همه ما کارگران این شخص فرصت طلب و سود جو ضد کارگر و ضد مردمی را باید خوب بشناسیم این شخص بعد از تشکیل شورای کارگران می خواهد ظلم و ستم را با قدرت هر چه بیشتر در آن کارخانه پیاده کند. ما اگر به اینگونه افراد اجازه پیشرفت و دخالت در امور کارگری بدهیم پس از مدتی متوجه خواهیم شد که چه اشباه بزرگی کرده ام ما با تشکیل سندیکای واقعی کارگری می توانیم دست چنین احمق را از دخالت در امور کارگری کوتاه و بیابان را از جمع مان قطع کنیم.

پس، برادران و خواهران کارگر نساجی شماره ۲، به پا خیزید و شهادت داشته باشید. زیرا روحیه انقلابی را هیچکس نمی تواند از ما بگیرد. هیچکس از ما بالاتر نیست. هر کس برای خود ش شخصیتی دارد. ما کارگران هم همینطور. در پایان از رئیس اداره کدسار می خواهیم که صورت جلسات شورای فرمایشی با حکم آن را انما نکند. زیرا شورای فرمایشی کارخانه نساجی شماره ۲ مورد قبول ما کارگران این کارخانه نیست.

خواهران و برادران کارگر آبا در کارخانه ای که ۴۰۰ کارگر مشغول به کار هستیم نباید اجازه داشته باشیم به اراده خود از بین خودمان مانده انتخاب کنیم و در سبک متشکل شویم؟ با اینکه با زهم مثل گذشته باشد سر خود رایا بین انداخته به حشر نامبندگان فرمایشی و با شورای فرمایشی عمل کنیم و یا اینکه هر کس برای حقوق ابتدائی و صنفی خود حرف زد، ضد انقلاب است؟ چرا؟ ما انقلاب کرده ایم که آزاد باشیم. انقلاب کردیم تا از حقوق و حقوق خود دفاع کنیم. نه اینکه بک عده افراد ذنبق که ماسک مومن بودن وریش

# همه صنایع و شرکتهای وابسته باید ملی شوند

کارگران صنایع چوکا:

دولت مدیون اخراج شده رادوباره بازگرداند

رشت - مجتمع صنعتی چوکا که در حوالی رسوان شهر ( منطقه پالنگیلان ) واقع شده یکی از تأسیسات صنعتی بزرگ ایران است که زیر نظر دولت و با ۴۰۰ نفر کارگر و کارمند کار می کند . این کارخانه ماهیاست به صورت نیمه تعطیل درآمده است . ماشین های قسمت کاغذ سازی این مجتمع از کانادا وارد شده و توسط کانادایی ها نصب شده است .

بعد از رفتن آنها این قسمت به صورت غیرقابل استفاده درآمده و بعضی از قسمتهای دیگر به علت کارشناسی مدیران قبلی (مدیران قبلی کارخانه توسط کارگران اخراج شدند ولی در تهران در دفتر شرکت کار می کنند ) از کار افتاده است . بنابراین کارخانه که کار می کند قسمت خوب بسری است . کارگران مدتهاست که بیکارند . همه هم خاطر روز شنبه ۱۷ تیرماه ۵۸ تمام کارگران کارخانه جمع شدند و خواستار به کار افتادن کارخانه شدند . آنها مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام داشتند :

- ۱- کارخانه باید شروع به کار کند و جلوی کارشناسی عناصر سدگراگرد در مرکز تهران گرفته شود .
- ۲- ما خواهان دادن قدرت اجرایی به شورای کارخانه می باشیم .
- ۳- حقوق ما به موقع پرداخت گردد . الان در حدود ۲ ماه است که

حقوق نگرفته ایم .

- ۴- پاکسازی کارخانه از عوامل ضد کارگروا بسته به رژیم سابق .
- ۵- ما خواستار اخراج همایون رودکی اسکندری ، عزیزاده از دفتر مرکزی تهران هستیم . این افراد که به وسیله کارگران از کارخانه اخراج شده اند در تهران دوباره به کار گرفته شده اند و مشغول توطئه چینی علیه کارگران هستند .

یکی از کارگران در اجتماع کارگران چوکا گفت :

دولت از طریق سازمان گسترش صنایع عملا کارفرمای ما محسوب می شود و ما می بینیم که حتی بدتر از سرمایه داران رفتاری کند . این دولت جزو عسکر و عهد معجزی چیزی تحویل ما نداده است . به عنوان مثال ما برونده ۴ کارگر را برای بررسی اضافه حقوق به مقامات مسئول داده است که هیچگونه ترتیبی ندادند .

وی افزود :

کارگران بانک عمل انقلابی مدیران در دو فاسد را بر سر گرداند ولی دولت می خواهد دوباره آنها را برگرداند . ما ندانیم راز به مقامات استانداردی مراجعه کرده ام و خواهان رسیدگی به حسابهای مدیران سابق شده ام ولی آنها کسب بعضی هاشان شریک درده هستند ، عملا توجیهی نگرداند .

۲۵۰۰ کارگر کارخانه پوشش مدیران مزدور را اخراج کردند

و همچنان با قاطعیت خواستار رسیدن به خواسته های خود هستند و اعلام کرده اند که با حمایت از شورایی اعتبار را کماکان ادامه خواهند داد . تعدادی از خواسته های آنان به این شرح است :

- ۱- صدور حکم های عیب افتاد ۵۷ سال ۲- صدور حکم های برای سال ۵۸ طبق طرح پیشنهادی شورا .
- ۳- استخدام دائمی کارگران موقت ۴- پرداخت حق خواربار و حق مسکن به کارگران طبق طرح پیشنهادی کارگران .
- ۵- ۴۰ ساعت کار در هفته .
- روز شنبه ۱۵ تیرماه مجمع عمومی کارگران با حضور نماینده دولت و کارفرمای جدید برگزار شد .
- وی با خواسته های کارگران به جز اخراج ۵ مدیر سابق و ۴۰ ساعت کار در هفته موافقت کرد .
- کارگران بیکار چه و متشکل خواهند اجرای تمام خواسته های خود شده اند .

آنان داشته اند ، به سرکار بازگرداندن نمایندند دولت برای بازگرداندن کارگران به سرکار در جمع آنها شرکت کرد و چنین استدلال کرد که چون بانکهای ملی شده بنابراین کارخانجات هم که متعلق به بانکهاست خود به خود ملی شده اند ، پس نمایانده هر چه بیشتر کار کنید و با اینکه :

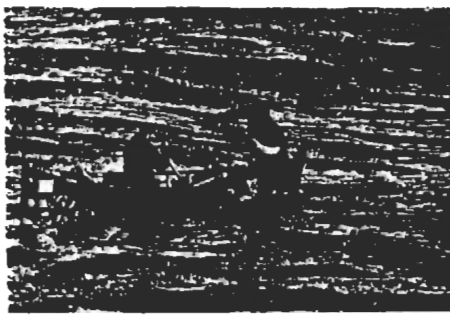
مدیران کارخانه باید هر چه زودتر به سرکار بازگردند تا به کارها سر و سامان دهند . چون بر اثر اخراج مدیران وضع کارخانه درهم و برهم شده است . استدلال این شخص که حامی می نامند دولت و کارفرماست با هوشتیاری یکی از کارگران که پاسخ می دهد " چون اوضاع مملکت آشفته است پس طبق حرف شما باید شاه خاش را هم بازگرداند ؟ " می نامند و این نماینده دولت (و کارفرما ) عمل را سوا می شود .

کارگران مبارز کارخانه "پوشش" از اولین روز اعتصاب برای مستحکم کردن صورتان جلسات متعددی تشکیل دادند

مبارزات کارگران چوکا با علییه کارفرما

رشت - کارگران شرکت تولسی بالموران ( فدا ) که از روز شنبه - ۱۶ خرداد دست از کار کشیدند و از حمله تولیدات کارخانه جلوگیری کرده اند به دلیل بی نتیجه ماندن مذاکرات با کارفرما همچنان به اعتصاب ادامه می دهند .

کارگران شرکت بالموران که سنگ کارخانه چوکا باقی است به دلیل روس صد کارگری کارفرما حاضر به بازگشت سرکار نیستند . کارگران با حمایت اسرورای کارخانه حواسا احرای صرح طبعه سدی معارض . دادن ۵۰۰ هزار تومان وام به کارگران و پرداخت ماهیانه تفاوت حقوق به ماه گذشته نشان می باشد و تصمیم گرفته اند نارسیدن به این خواسته ها به اعتصاب ادامه دهند .



مسئولین شبلیات برای سرکوبی کارگران از ماموران زاندارمری بندترکمن استفاده کردند

های اومنی ترسند ، برگشت . مدیرعامل شبلیات نیز بدون اینکه پاسخی به کارگران بدهد روز هشتم تیرماه فصد خروج از جزیره را داشت که کارگران جلوی خروج را گرفتند ولی بعد از ظهر همان روز یک فروند هلی کوپتر نظامی با افراد مسلح به اتفاق فرماده هنگ زاندارمری گرگان به آنجا آمد . آنها بلافاصله با اسکورت مدیرعامل شبلیات را خارج کردند و با خود بردند ، در موع رفتن فرماده زاندارمری ، مثل همیشه قول داد در عرض ۱۰ روز به خواسته های کارگران رسیدگی کند .

بعد از رفتن آنها کارگران در صحبت هایی که با هم داشتند به این نتیجه رسیدند که در درجه اول باید شورای موقت خود را به شورای دائم تبدیل نمایند . شورا باید قدرت اجرایی داشته باشد و در ارتقاء با شورای صیادان بطور هماهنگ و متشکل علیه ظلم و زور شرکت شبلیات اعدا کند .

آشوراده (بندترکمن) - از صبح روز شنبه ۳ تیرماه تمام کارگران شبلیات ناحیه ۴ شمال دست از کار کشیدند . کارگران به ستمش پس از کارگران و کارمندان بومچنین عدم پاسخگویی مقامات مسئول خواسته هاشان معترضند . کارگران می گویند :

حق نوار مرزی باید به کارگران پرداخت شود ولی وزارت کار اعلام نموده فقط کارمندان از این حق برخوردارند . از طرفی مسئولین شبلیات آشوراده برای اینکه نفاق در بین کارگران بیندازند عده ای از کارگران را هم به عنوان کارمند قلنداد نموده اند .

این عمل مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و آنها در مقابل اداره شبلیات متحصن شدند . مسئولین شبلیات برای سرکوبی کارگران از ماموران زاندارمری استفاده کردند . ابتدا فرمانده زاندارمری بایک درجه دار به محل آمد ، ولی وقتی دید حرفش روی کارگران تأثیری ندارد و کارگران از تهدیدات



استفاده از کار کودکان يك اقدام ضد انسانی است

در جامعه سرمایه داری استفاده از کار کودکان یکی از شیوه های متداول و مرسوم است . سرمایه داران کودکان را به کار و می دارند و با پرداخت مزد بسیار ناچیز و استثمار و حیثانه کودکان بودهای هنگفتی به جیب می زنند . یکی از نمونه های استفاده از کار کودکان در کشورها به کار کهنوزن کودکان در سرچاههای نفت است . کودکان را که به هیچ وجه شرایط جسمی و روحی آنها آمادگی کار در چنین محیط های پرخطر ندارد ، گاه به مدت ۱۲ ساعت در روز به کار و می دارند ، کار این کودکان حمل و نقل مواد شیمیایی است که در تهیه کل حفاری مسود در استفاده قرار می گیرند . این مسود در کیمه های ۲۵ کیلوگرمی سته بندی شده و حمل و نقل این مواد شیمیایی توسط کودکان باعث مبتلا شدن آنها به بیماریهای خطرناک می شود . به علاوه این کودکان هیچگونه امکانات رفاهی ندارند . از نظر ایمنی فاقد دستکسی

لباس کار . کلاه ایمنی و غیره هستند حتی قوانین و مقررات کدانی کسار را هم در مورد آنها رعایت نمی کنند و از نظر ایمنی و خطرات ناشی از کار هیچگونه مسئولیتی متوجه کارفرما نیست .

در شرایطی که این کودکان دارای سرزمینی هستند که عظمت ترس در آنها رانصب عده ای می کند ایما خودشان در فقر و تنگدستی زندگی می کنند تحت شدیدترین و حیوانی ترین نوع استثمار قرار می گیرند . حتی لباس آنها نیز از کیمه های آلوده به مسود شیمیایی است . حاصل دسترنج آنها در اختیار سرمایه داران و دزدان بین المللی قرار می گیرد .

دولت کنونی نیز هیچگونه اقدامی در جهت جلوگیری از کار کودکان ناس مالی آنها و خانواده هایشان انجام نداده است و همچنان کودکان مورد استثمار و حیثانه سرمایه داران قرار می گیرند .

جماعتاران با کمک اداره کار و کمیته ، مجمع عمومی کارگران را برهم زدند

آشوب طلب به پالن خانه کارگر آمده بودند . بهر حال کارگران پس از اطلاق از محل دستگیر شدگان در جلوی کمیته سست نشستند و خواهان آزادی کارگران شدند که ۸ نفر از کارگران آزاد شدند ولی چهار نفر دیگر در بازداشت ماندند . در برخورد کارگران با جماعتاران سه کارگر محروم شدند که به بیمارستان منتقل شدند . برهم زدن اجتماع کارگران پروژه ای بکار دیگر نشان داده چگونه عناصر وابسته به سرمایه داری با مرتجعین صد کارگر در اداره کار اصفهان و کمیته معدست دارند .

که در واقع کارگر بودن متغیصان عضویت سرسندیکا را ثابت می نمود . ولی نماینده اداره کار ، این کارت ها را بی اعتبار خواند و گفت هر کس خواهد می نواند وارد سالن شود . سانس ترتیب راه برای رجه عنان مرتجع باز شده است . مخترا نی یکی از کارگران ناچیان مناصر ارجحانی و صد کارگر از حاملند ندر جوا . و حیثال راه انداختند و به طرف در سالن هجوم بردند . کارگران که جمع را آیفند دیدند ناچار بزرگ سالی شدند آنها را در داخل حوضه امضای شورای موسس مدد . ری از کارگران را کتک زدند و جمعاً ۲۲ نفر را دستگیر کرده و به کس بردند . حال این است که قلا ۶ سادار برای حفظ نظم و جلوگیری از تشوید عناصر

اصفهان - کارگران بیکار پروژه ای اصفهان طی قرار و اعلام فعلی جهت تشکیل مجمع عمومی صبح روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه ۵۸ در خانه کارگر اصفهان اجتماع کردند . تا آنکه از ۱۵ روز فصل دعوتنامه در سطح استان سخن شده و به تمام مراجع مسئول اطلاع داده شده بود ولی عناصر مرتجع شناخته شده که سابقه صد کارگرشان برای همروس شده است مانع برگزاری اجتماعات شدند . نماینده اداره کار اصفهان نیز سنا ناصر مرتجع همصد و با وجود اینکه ۱۵۰۰ کارگر در سالن خانه کارگر حضور داشتند . اعلام نمود که تعداد کارگران جهت رسمت مجمع عمومی کافی نیست . ملامت سنا برای کارگران صادر شده بود

۱۵۰۰ کارگر شرکت ساختمانی آبادانا حق خود را میخواهند

تهران - پس از ۵۰ روز کارگری شرکت آبادانا در محل بانک رهتی تهران تعهش کردند و خواستار پرداخت شش ماه حقوق عقب افتاده (ازدی ماه ۵۷) افزایش مرخصی نالیانه و حق اولاد شدند . صاحب کار شرکت ، فرانسوی است که از ایران خارج شده لیکن اعتبار شرکت از جانب بانک رهتی تهمه شده ، تعداد کارگران شرکت قریب ۱۵۰۰ نفر می باشد . شرکت آبادانا در امور ساختمانی و انبوه سازی فعالیت می کند و کارگران

ان با کار فترده و شرایط بسیار دشوار از صبح تا شب کار می کنند . نمایندگان کارگران منحصن در چهارمین روز تحصن با نمایندگان وزارت کار مذاکره کردند که نتیجه چندانی نبود . دست نامه است . وزارت کار مایل است حق سالانه کارگران ( به مدت ۴۵ روز در سال ) به آنان تعلق گیرد . اما کارگران بانوجه به توانش موجود میسر بروام سکاری و مزایای دیگر ، خواستار حقوق قانونی هستند .

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع ، بانکها و شرکت های وابسته را

# قصه گاو بزرگ

داستان زیر نوشته رفیق شهید غلامرضا گلوی است.  
رفیق گلوی در سال ۱۳۲۶ در زابل به دنیا آمد. پدرش درجه دار بود. در سال ۱۳۴۵ در رشته تاریخ دانشگاه مشهد ثبت نام کرد. پس از آشنایی با رفیقان شهید حمید توکلی و بهمن آژنگ فعالیت سیاسی را بطور پیگیر آغاز کرد و در سال ۱۳۴۹ جزو سه نفر اعضای هسته مرکزی شاخه مشهد بود. در بهار ۱۳۵۰ از زندگسی مخفی را آغاز کرد و به تهران آمد. در شهریور ماه همین سال بطور اتفاقی در خیابان شناسایی شد و به وزارت درخمان در آموذرتاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۰ در کنگسار رفیق کبیر مسعود احمدزاده و چهار رفیق دیگر در برابر جوخه اعدام ایستاد. در سخت ترین شرایط نیمی کوشید با شوخی های خود دیگران را سرگرم کند و روحیه همه را بالا ببرد. این داستان او با نام مستعار در فروردین ۱۳۵۰ در مجله بوزیک ایران ( شماره ۵ ) به چاپ رسیده است. البته رفیق خود می گفت که داستان را در دوره دبیرستان نوشته و آن را جدی نمی گرفت. ماتنها به عنوان فتح حساب در زمینه چاپ داستان و آثار داستان گونه در این صفحه با نام و یاد رفیق گلوسی آتازی کنیم. کاش این رفیق اکنون در کنار ما بود و می دید که چگونه خلق قهرمان و ستارم ( که در این داستان در وجود "سپرک" تجلی یافته ) سرانجام به پیروزی رسیده و چگونه در میهن ما نیز این " گاو بزرگ" هدف حمله قهرمانانه مردم فرا گرفته است.

## داستانی برای برویجه ها

یکی بود، یکی نبود. یک گاو بود که دو تا شاخ بزرگ و تیز داشت و از صدای ( قدمهای ) سنگینش هم می ترسیدند و هر وقت حرکت می انداخت همه روم می کردند. عادت همشگی اش این بود که موقع غذا خوردن همه را فراری می داد و بهترین علف را که مال دیگران بود می خورد. از هر موقعی برای بلعیدن غذا می دیگران استفاده می کرد. موقع دعوا یا مساجی می ندو طرفین وقتی متوجه می شدند که او برایشان چیزی نگذاشته بود. این گاو توی مراغ همه می رفت و لگد کوبش می کرد و فصولات می انداخت. بعضی ها هم برای اشنگ به مردم به میمانند که با گاو سروی دارند فصولات را حاکم می کردند و به درود و اورا خانه شان آویزان می کردند و از عفت آن نمی ترسیدند و عده ای هم که صدایشان در می آمد با شاخ های تیز او طرف می شدند. هیچکس نمی توانست در مقابلش ایستادگی کند مگر قبلی کدر سرزمینهای دیگر زندگی می کرد و دندانهای بلندش داشت. گاو از آن قبلی خلی می ترسید و به همین جهت مال دیگران را می خورد تا جان تر و قویتر شود که اگر روزی نبل به سراغش آمد بتواند از خود دفاع کند و با گاو اسامد خودش حمله کند. البته علت مخالفت او با قبلی این بود که قبلی نمی خواست گاو مال مردم را بخورد.

این گاو البته به مردم کمی شیر می داد ولی در حقیقتش از آنچه کسی داد می گرفت و ذخیره می کرد. خانه اش پر از علوفه بود. علوفه را توی زیرزمین خانه اش قایم می کرد و روزی آن را می پو شاند تا کسی متوجه نشود. آنها را برای روز مسا دا نگه داشته بود.

گاو تا می توانست خود را علیه قبلی مسلح می کرد و شاخ هایش را به درود میسوار می مالد تا تیزتر شود. وقتی از قبلی صحبتی می شنید از کشتن هیچ بدو به راهی می نداشت. هر وقت کسی از منطقه نبل می آمد و او را به خانه اش دعوت می کردند اخباری کسب می کرد و بعد پس مردم به غلط بچس می کرد که قبلی چنین و چنان است. مردم هم به واسطه گفته هاش از نبل متنفر بودند. اما همه می خواستند برای یک دفعه هم که شده قبلی به سرزمین آنها بیاید تا نزدیک او را ببینند. اما گاو هم مثل همه موجودات کنکاوای عجیبی داشت. همیشه وسوسه نزدیک شدن به سرزمین قبلی و دیدن او آزارش می داد. اما به هیچ وجه به اطرافش اجازه نمی داد به سرزمین قبلی نزدیک شوند یا او را ببینند. گاو به همه حاسری زد. بسه

برای اینکه گاو بزرگ کاملاً از بین برود باید راه کشتزارهایمان را به روی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آنطرف نبینیم و بسوی خفه کنند هاش را نشنوم.

همین جهت بود که در پایش همه جا به چشم می خورد و فصولاتش همه جا آویزان بود. در آن سیر و سیاحت بعضی اوقات مجبور می شد تا گاو را مشاهده کند. اگر کسی زورش می رسید متوجه می شد که گاو را غیب می نشست. اما کمتر عقب نشینی می کرد برای اینکه زورش از همه حرفان بیشتر بود و این امر باعث آن بود که از همه بیشتر می خورد و به دیگران مجال خوردن یک وعده غذایی کافی را هم نمی داد.

یک روز که گاو به قلمروی قبلی نزدیک شده بود به زمزمهای برخورد که سرکسی زرد و مردنی از آن حفاظت می کرد. به عادت قبلی داخل شد و می خواست مشعلی هسته هر چه می خواهد بکند. اما سپرک هم نمی خواست به او چنین اجازه ای بدهد به همین جهت ناچوب و سنگ به جنگ او آمد. گاو که اصلاً انتظار چنین عملی را نداشت عصبانی شده طرف او حمله برد. سپرک تا وقتی که گاو به او رسیده بود به طرفش سنگ می انداخت و وقتی نزدیک می شد فراری می کرد و قایم می شد. از سر و صورت گاو خون جاری شده بود. شاخ هایش تیزی خود را از دست داده بود و به عرق هایش آرا منز شده بود. حسته و گوشت به کنار حوی آب رفت. کمی آب خورد و بعد هم مشغول چریدن شد ولی هنوز نم سر نشده بود که ساز و کوبه سپرک پیدا شد. اینبار فلاحتی در دست داشت. گاو عصبانی تر از پیش به او حمله و رشندولی باز مثل قبلی پس از اینکه چند سنگ بر سرش آمد سپرک ناپدید شد گاو که منفعل شده بود به گونهای رفت تا یکی استراحت کند ولی طولی نکشید که از ضربات سپرک از حساب برید. به جالاک می طرف سپرک خیز برداشت. شاخش به به پهرن پاره او گیر کرد و پاره ترش کرد و یک گوشه از شکمش را زخمی کرد. اما سپرک با سرعت روی درختی که نزدیک او بود برید و از آنجا به طرف کاوشنگی می انداخت. گاو هم سبیده سرش را به درخت می کوبید. تا حد خیال داشت آن را از سرش در آورد.

این زد و خورد هنوز هم ادامه دارد و ما که در سرزمین دیگری زندگی می کنیم فریادهای درد آلود گاو را می شنوم و به نظری رسد که شاخش هم خیلی کند شده باشد. اما در همه حال فریادهایش را بلندتر کرده است و همین باعث شده کسان دیگری هم که گاو علوفه شان را در دیده است به کمک سرک بشتابند. گاو اگر چه عرو و تیز زیادی می کند ولی خوب معلوم است که سازمندی کمی برای هم نشنیدن، بدای. حقه خواهد شد، چرا که در سایر نواحی هم که از سرزمین سپرک خیلی دورتر است بر علیه او مسلح شده اند. علت اینکه گاو این همه برزور است و هنوز هم مقاومت می کند این است که از سرزمین هاشی نظیر سرزمین ما علوفه های زیادی به او می رسد. بنابراین برای اینکه کاملاً از بین برود باید راه کشتزارهایمان را سروی او ببندیم تا دیگر فصولاتش را اینطرف و آن طرف نبینیم و بسوی خفه کنند هاش را نشنوم.



این شعره مناسبت سالروز درگذشت مصدق در اسفند ماه گذشته سروده شده است. و اکنون به مناسبت فرارسیدن روز تاریخی "۳۰ تیر" آن را چاپ می کنیم. کوشش ما بر این است که در مناسبت های گوناگون برخی اشعار رسیده را چاپ کنیم. حتی اگر تمامی مواضع و منارهائی که در مقالات گذشته طرح کردیم در آنها رعایت نشده باشد.

## زنگ خطر

بچه ها، گوش کنید  
نکته اینجاست که بارفتن شاه  
و نظام " طاغوت "  
باز هم بانگی بشنوم در این ویرانه  
بازاران حبله  
در پی غفلت ماست  
که مگر بار دگر  
از طریق معمول  
- دیپلماسی و سب-  
لااقل تا ۲۰۰۰  
که به پایان رسد این قرن عجیب  
با فروش فانتوم  
موشک و جنگ افزار  
ز خطر حفظ کند " آزادی "  
و بکار ما را  
در " جهان آزاد "  
تا کند غارتنمان بیش از پیش.

بچه ها  
وقت ما کوتاه است  
زنگ شاید بخورد  
بچه ها، بشناسید  
دشمن آزادی  
دولت امریکاست  
و دگر پارانوش  
ترکای " ناتو "  
جر به عمده سرکوب ملل  
که به آنها گویند  
سلطه جوان جهان خوار بزرگ  
نونها لال عزیز:  
درس امروز شما پایان یافت  
تاد باشید، موفق باشید.

ناظم مدرسه گفت:  
بابا، وقت زنگ است.  
بچه های گفتند:  
حالا وقت جنگ است  
جنگ با دشمن آزادی خلق  
و همانطور که آقا می گفت  
سلطه جوان جهان خوار بزرگ  
بچه ها داد زدند  
زنده باد آزادی  
مرگ بردیکتاتوری  
زنگ بر کاخ سفید  
مرگ بردشمن خلق  
.....  
زنگ تفریح گذشت  
.....

سیامک

## توضیح درباره معرفی رفیق پویان و انتقاد از آن

رفیقی به نام " علیرضا " برای ما ادداشتی فرستاده است در ارتباط با مطلبی که در صفحه ادبیات کارگری نشریه شماره ۱۲ تحت عنوان " یادش هست همشهری؟ " درباره رفیق شهید امیر پرویز پویان چاپ شده بود. این رفیق به بخشی از مطلب که در آن خاطره ای از مصداق موجودی بانک آذربایجان نقل شده بود اشاره کرده و یاد آوری کرده است که همین خاطره در کتاب " پاره های از تجربیات جنگ چریکی شهری در ایران " به شکل دیگری آمده است. بانشرک از توجه و دقت این رفیق توضیح می دهیم که ماسی کرده بودیم با استفاده از خاطراتی که رفیقان ی مختلف از " اسر " نقل می کردند، آنهم عمدتاً خاطراتی که می دانستیم در حاشی حاک و متعکس شده و برای خوانندگان ناگزری دارد. معرفی نامه مذکور را تهیه کردیم و صحت از اس مطلب شد

## خطاب

می توانید مرا  
هم بدان جرم که فریاد زدم  
" آزادی "  
زنده بسوزانید، آتش بزنید  
می توانید صدایم را چون سنگ  
به زنجیر کشید  
و سرودم را زار دار بیاویزید  
نامم را اعدام کنید  
می توانید فرمان خدای ظلمات  
در خیابان عمورتاریخ  
که کشتن های بزرگجاری از

انسان  
عشق  
صدای گل سرخ

همراهیکره تاراج کنید  
چه توانید ولی کرد به روئیدن جنگل یا بالیدن  
صبح؟  
گرچه آفاق امروز آینه ساکت این صبح  
نجیب است و به خورشید آشفته ست  
روزی آن صاعقه سرخ که می باید  
فریاد بزرگش را سر جواهد داد  
ناکه جواب از سرگها بیورد  
و بداند که سیلاب، بهریگی دو حیرت  
هرگز از پای نخواهد افتاد.

ارغوان

## توضیح در مورد

### پوستر رفیق صمد بهرنگی

یکی از شاگردان رفیق صمد بهرنگی که اکنون در جردان نیروی هوایی است برای امانت های فرستاده و در مورد عکسی از کلاس رفیق صمد در روستای آخر حسان که به صورت پوستر تکثیر شده توضیحاتی داده است. او یاد آوری کرده است که در این عکس ملامت فریدری مالی سر نفر چهارم زده شده و او را رفیق شهید علی اسفر عرب هریسی معرفی کرده اند در حالیکه او شخص دیگری است و رفیق عرب هریسی اصلاً در این عکس نیست. نویسنده نامه سپس نام همگی شاگردان کلاس را ( که سیزده نفر هستند ) به ترتیب نوشته و همچنین توضیح داده است که هر کدام از آنها بالاخره چند کلاس توانستند درس بخوانند و در حال حاضر چه شغلی دارند ( او خود از کسانی است که در عکس دیده می شود ).  
اگر موردی پیش آمده از این توضیحات استفاده خواهیم کرد.  
در اینجا بانشرک از محبت این شاگرد رفیق شهیدمان، لازم می دانیم یاد آوری کنیم که این عکس بهوشله سازمان چریکهای فدائی خلق به صورت پوستر در نیامده و تکثیر نشده و در نتیجه نام رفیق شهید عرب هریسی نیز با نطر و اطلاع سازمان در این عکس ذکر نشده است. شاید انگیزه کسانی که نام او را ذکر کرده اند، آنچنان که نویسنده نامه مدس می زند تنها سودجویی بوده باشد.

پیشنهادات و نظریات  
انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال  
نمائید.  
تهران - خیابان کشاورز، خیابان  
دهکده (میکده سابق) ستاد سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران.  
تلفن: ۶۵۹۹۹۹ ( ساعات مراجعه و  
تلفن به ستاد از ساعت ۴ الی ۸ عصر )  
آدرس پانکی - تهران، بانک ملی  
ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب  
۳۲۰۹۸  
بنام عباس فضیلت کلام.  
از کلیه هموطنان مبارزان  
خواهشمندیم فیش بانکی کمکهای  
مالی خود را که به بانکها برزنده است،  
مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.



# مصاحبه با کارگران و اعضای شورای کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز

● نماینده شورا : ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد .

● یکی از کارگران : آنها را که در فکر آن هستند تا دوباره رژیم طاغوتی بازگردد این فکر را با خود به گور خواهند برد .

که نماینده ما از اسناداری آمده است می گوید که آنها بطور روشن و صریح جواب نمی دهند و مافلا کاری از پیش نبرده ایم . کارگر دیگر: الان که کارگران می گویند قادرند کارخانه را خود اداره نمایند کاملاً درست است . زیرا قبلاً نیز این کارگران بودند که کارخانه را اداره می کردند و چرخهای کارخانه را به گردش درمی آوردند و کارفرما نقش چندانی در اداره اسجاد داشت . اوقفت کارگران راه حان همدگر می انداخت . یکی از کارگران "نقش کارفرما این بود که دستبازش را در جیب های شلوارش فرو برد و فقط ظلم کند" . من ۴۵ سال کارگری بزرگ پریده شروع به صحبت می کند . من ۴۵ سال این کارخانه کار کرده ام . آری ۴۵ سال . در این ۴۵ سال ۳ بار به سختی مریض شدم . چشم و دهانم نریخته شده است . دوبار دچار فتق شده ام و سلامتی جسم را در اینجا از دست داده ام . نه حقوقی برای زندگی داشته ام و نه دستمزد کم کفایت می کرده که مسکنی برای خود بخوانم . دست و پاکنم . الان خانه ای که من در آن می نشینم مال بانک است و اگر بانک این کارخانه را بخواهد از من بگیرد می تواند . دستمزد محدود ۷۰۰ ریال است که بایهه مالیات و غیره ۵۰۰ ریال برای مخنار رج زندگیم باقی می ماند در حالی که ما از حق بیمه خود نتوانسته ایم استفاده کنیم .

کارگر بغل دستی او می گوید : " راست می گوید . وقتی این رفیق ما مریض شد ، بیمه قبولش نکرد و مجبور شد به دکترهای خصوصی مراجعه کند و نسخه های او را هر قدر ما کوشش کردیم قبول نکردند و حتی یک شاهی نتوانست از بیمه استفاده کند ، ما هر چه پیش ارباب رفتیم تا او را متقاعد کنیم که کار رفیق ما سخت است و زیاد کاری کند ، حداقل حاشیشی برای او بپردازیم قبول نکرد و گفت باید سرکار خود بماند" . کارگر قبلی می گوید : " این قسمتی از سرگذشت زندگیم بود ولی اگر ما خواهیم واقف سرگذشت رنجها و دردها و مشکلات خود را به شما بازگو کنیم شما بایستی مدتها بشنید و بنشینید و به وقت گوش بدهید" . یکی از کارگران بزرگ کارخانه که بنظر هفتاد ساله می رسید و به درستی نمی توانست حرف بزند اشاره های می کرد . می پرسم موضوع چیست ؟ بغل دستی اش جواب می دهد که او هم حرفهای دارد ولی قادر نیست ادا کند . می گویم اگر منظورش را می فهمی تو بگو . قبول می کند . می پرسم . از کی اینجاکاری کنی ؟ دوستش جواب می دهد : " از جوانی به این کارخانه آمده و حدود ۴۵ سال است اینجا کار می کند . در این ۴۵ سال یک پسرش را اینجا از دست داده است . می پرسم چند سال داری ؟ دوستش پاسخ می دهد : " حدود هفتاد سال بایشتر" . بعد در جواب اینچه حدود سنی در این کارخانه چقدر است می گویند " جوانترین کارگر اینجا پسر طبیب ۱۵ سال دارد و پسر بزرگترین کارگران حدود هشتاد ساله است" . می پرسم : آیا بیمه شده ای ؟ دوستش جواب می دهد : " نه خیر اگر بیمه شده بود حداقل می توانست در این سن بازنشسته شود" . کارگر دیگری می گوید : " اگر کارفرما به موقع اورا بیمه کرده بود الان بازنشسته شده بود" .

دیگری می گوید : " کارفرما همه ظلم کرده است" . از وضع کیمته ها و رفتار آنان می پرسم . جواب می دهند : " در کارهای ما دخالت می کنند . مثلاً سه روز قبل از حزب ( منظور حزب جمهوری خلق مسلمان است ) شش هفت نفر آمده بودند . یکی از آنان طباچه کشید . مادست به دست هم دادیم که کارگرا را اواز نزنند . می پرسم . برای چه چیز آمده بودند ؟ جواب می دهد : " برای توجیه کردن اعمال خود در مورد دستگیری یکی از نمایندگان ما" . می گویم . خوب ادامه بده . ادامه می دهد : " آری ما دست به دست هم دادیم تا کارگرا را اواز نزنند و به او فرصت دادیم ولی او از فرصت بدجوری استفاده کرد و طباچه خورد و کشید و یکباره من متوجه شدم که گلوله های از زیر پا زوم بردند . ابتدا خیال کردم که گلوله خوردیم . بالاخره اورا به هر شکلی بود از کارخانه بیرون انداختیم" . می پرسم : آیا واقعا قصد داشت شما اهداف قرار دهد یا منظورش ترساندن بود ؟ جواب می دهد : " ما دستن را بالا نگذاشته بودیم داشت می زد" .

نماینده شورا به کارگران : در کار ما دخالتی صورت می گیرد . ولی ما شما را داریم . تا شما با قدرت تمام پابرجا هستید ما هیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد .

کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز حویلی شوم . می گویند : " ما با آنها اتحادیه کبریت سازی سازمان تبریز تشکیل داده ایم . متأسفانه بعضی از نمایندگان کارخانه ممتاز طرفدار کارفرمای خود هستند . او هر کسی را که استخدام کرده به آنها قبولانده است که وظیفه اش جاسوسی و دادن گزارش های کارمندان است و تا به امروز کارفرمای کارخانه ممتاز نتوانسته است نفوذ سابق خود را در کارخانه حفظ نماید . این وضع در کارخانه ما به هیچ وجه دیده نمی شود . علت اتحاد و یکپارچگی بی نظیر ما است . البته وضع ما نیز قبلاً مثل وضع آنها بود" . می گویم : آیا فکر نمی کنید کارگران کارخانه ممتاز راه شلوار می کنند ؟ پاسخ می دهد : " الان تقریباً همینطور است یعنی اکثر کارگران تحت نفوذ کارفرمای خود باقی مانده اند . مثلاً در مورد تعطیلی پنجشنبه ها ، کارگران کارخانه ممتاز از این موضوع به شدت استقبال کرده اند ولی همین چند نماینده موافق نیستند . نمی دانیم تحت چه شرایطی این نمایندگان انتخاب شده اند . احتمالاً بازم اعمال نفوذی در مورد انتخاب آنها شده است" . کارگر دیگری : " حتماً این هم به سازش کاری همان عناصر خریداری شده و ناگامی برخی از کارگران مربوط است . به نظر من آنها با کارفرما زدوبندی کرده اند" . می پرسم آیا خواهد توانست کارخانه را به نحو احسن اداره کند ؟ کارها را پیش ببرید ؟ هم پاسخ می دهد : " چرا نتوانیم ؟ البته که قادر خواهیم بود ولی باید در نظر داشت که کارفرما الان تمام مسئولیت ها را از جمله مسئولیت خرید و فروش را نیز به گردن نمی گیرد . دولت نیز قبول ندارد که ما هیبت نامد بر عامل برای اداره کارخانه انتخاب نمائیم" . یکی از کارگران " دولت فعلاً تا اسجاق قبول نکرده است و همین الان نیز

نزدیکهای ظهور در کارخانه می شوم و سراغ شورای کارخانه می گیرم . می پرسند چکار دارید ؟ می گویم از روزنامه آمده ام شخصی را صدا می کشم و مردمی بلند قافیات مرا از پله های آهنگین به اطاعتی که استیجاب می کنند . تصمیم می گیرم ابتدا چند کلمه ای با اعضا شورا بنمایم . کارگران هستند با لباس های کارنشته اند . من خود را معرفی می کنم و علت آمدنم را با آنها در میان می گذارم . با خوش بینی استقبال می کنند . تصمیم می گیرم ابتدا چند کلمه ای با اعضا شورا در میان بکنم . سپس به میان کارگران که سرگرم کار هستند بروم . از کارگری که پشت میز آهنی نشسته است شروع می کنم و از نقش کارگران بخصوصی که کارگران این کارخانه در انقلاب می پرسم . جواب می دهد : " نقش کارگران در این انقلاب خیلی مهم است . در تمام اعصاب و تظاهرات و مبارزات این کارگران بودند که سینه خود را سپردند و جلورفته اند . حال انتظار دارند دولتی بر سر کار آید که آرامش و خواستهای را که سالها کارگران به خاطر آن مبارزه نموده اند حاشه عمل ببوشاند . اما کارخانه ما . در این کارخانه کارگران شورایی رد زده است . خود آورده اند و فکر می کنم که این یک شورای واقعی است . کارگران برای تشکیل این شورا نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده اند" .

از وضع کارخانه می پرسم . می گوید : " این کارخانه خیلی قدیمی است . و از شروع کار آن ۶۰ سال می گذرد و سابقه کار بعضی از کارگران به ۴۰ تا ۵۰ سال می رسد . حقوق کارگران بین ۴۰ تا ۷۰ تومان در نوسان است . تعداد کارگران کارخانه حدود ۶۰ نفر است و در میان این ۶۰ نفر به سختی می توان دوپست نفر را یافت که دارای خانه ای باشند . بقیه با مستاجرتن بازنظر مسکن به سختی در می قیامند و بعضی هائیز در زیر قسط وام های با بهره کم شکن زندگی سختی دارند . خدایم داند که برای آنکه آنها بتوانند تمام قسط های خود را بپردازند باید دوباره عمر کنند . این نوع فشارها بر کارگران بخصوصی کارگران کارخانه ما زیاد است و شورای کارگران سعی می کند تا حداقل امکان از این مشکلات بکاهد و در درجه اول آنها را حل کند" . به کارگران جوان بلند قامت ، رومی کنم ولی بدون اینکه سوالی بکنم شروع می کند به صحبت .

آقا چه فرق بین کارگر و دیگراست ؟ ما فرانه بودیم به حزب ( می پرسم کدام حزب ) می گوید حزب جمهوری خلق مسلمان ( شخصی در آنجا هست به نام میرزا محمد . بر سر موضوعی با او حرف می زدیم . می گویم ما باید با کارمندان متحد شویم ولی او در جواب گفت کارگرا کارمند فرق دارد و بایستی نیز این فرق باشد . آخر آقا شما بگوئید چرا ما باید با شینتر از آنها باشیم . مگر این مانع است که زحمت می کشیم انگشتان خود را برای ما شینتر از دست می دهیم ، باهايمان برابر شویم به رمانتیم مبتلا می شود و به سرعت پیر و فرسوده می شویم ولی بهار تولید می کنیم تا خرج مملکت بچرخد . حالا چرا باید آنها برابر ما باشند ؟ از توطئه های سرمایه داران می گوید و مثال می زند که " سابقاً ما قرار دادی داشتیم بدین ترتیب که در ازای هر جمعه اضافه تولید ۳۰ تومان از کارفرما مطالبه کنیم ولی هر وقت اضافه تولیدی داشتیم کارفرما از دادن دستمزد آن خودداری می کرد و می گفت ندارم . در حالی که آن زمان روزانه بالغ بر ۱۵ هزار تومان عایدی اش بود ( و الان حساب کرده ایم بالغ بر ۱۰ هزار تومان از کارخانه پول می گیرد ) ولی حالا ما قرار داد عرض کردیم برای هر جمعه اضافه ۵۵۰۰ تومان تا ۱۳۰ تومان به کارگر پرداخت می کرد . کارگران انتظار دارند که از کار خود بهره ببرند . ما الان برنامه ای برای افزایش حقوق کارگران در نظر گرفته ایم ولی از طرف دیگر برای مقابله با این طرح ، کارفرما با ما سرمایه داران مرتباً توطئه چینی می کند . آنها می کوشند جلورود مواد اولیه را بگیرند تا با نرسیدن مواد اولیه کارگران بیکار بمانند و اوضاع کارخانه از هم پاشیده شود و ما از آسود عوت به عمل میاوریم تا با به کارخانه تشريف میاورند ولی کور خوانده اند . ما نگذاشتیم و این توطئه را نقش بر آب کردیم . بدین منظور جلو فروش را گرفتیم و آنها مجبور شدند مواد اولیه را بفرستند . الان نیز دوستان ما به استانداری رفته اند تا در این مورد مشکلات دیگر با دولت مذاکره کنند . البته به طرق مختلف جلو نمایندگان ما می گیرند . ما سابق از سیاسی و تکنیک های سا و اک رنج می بردیم . اکنون نیز وضع ناراحت کننده ای داریم . مثلاً سه روز پیش یکی از نمایندگان بزرگ را و وقتی ما را افراد مسلح کمیته شبانهار خانه اش گرفتند و بردند . چیه های او ترسیده بودند . روی آزادی او تلاش زیادی کردیم و کارگران به خاطر او حاضر به کار نبودند" . پس از صحبت این کارگر پیشنهاد کردیم به میان کارگران برویم و با آنها صحبت کنیم . در قسمت بسته بندی با کارگران شروع به صحبت کردیم . کارگری رشته سخن را به دست گرفت و گفت : " من از ۷ سالگی کار را در این کارخانه شروع کردم . الان ۴۰ سال دارم و ۳۷ سال است در اینجا کار می کنم . ۷۲۰ ریال دستمزد می گیرم . ۹ نفر عائله دارم . هر موقع خواستام اعتراضی برای افزایش دستمزد بکنم ، با ترشرویی و بدوی به راه روبرو شده ام . ۴ انگشتم را در اینجا از دست داده ام . سرمایه داران و کارفرمای ما تمام پولها را برداشته و رفته اند و شورا پولی ندارد تا دستمزد کارگران را بپردازد . کارگران مدتهاست که حقوق نگرفته اند و در وضع بدی به سر می برند" . می پرسم . شما راجع به شورای خودتان چه نظری دارید ؟ آیا این یک شورای واقعی است ؟ جواب می دهد : " این شورا خیلی خوب است . خوب کاری کند و درست عمل می کند . ما به تمام اعضای آن اعتقاد کامل داریم" . می پرسم . آیا عناصری پیدا می شوند که در کارهای شورا کارکنشی کنند ؟ مثلاً من شنیده ام که یکی از همین عناصر در باره نماینده دستگیر شده شما بدگویی کرده بود ؟ پاسخ می دهد :

از کارگر دیگری سوال می کنم که شما در مقابل توطئه های کارفرما برای خنثی کردن کارهایشان چه می بینید ؟ پاسخ می دهد : " اتحاد و یکپارچگی ما باعث می شود تا تمام توطئه ها و تمام کارهای که کارفرما بر علیه ما انجام می دهد با شکست روبرو شود" . می پرسم . شما فکر می کنید این اتحاد تا کجا ادامه پیدا می کند ؟ جواب می دهد : " ما تا آخرین نفس برای یکپارچگی و اتحاد خود خواهیم ایستاد و در این راه مبارزه خواهیم کرد" . از کارگر میان شاهی می پرسم : وزارت کار برای شما چه کرده است ؟ او می گوید : " ما هیچ کار نمی بینیم" . تمام کارها را خود ما بنظر خودمان کرده ایم و آنها مجبور شده اند کم و بیش کارهای ما را قبول کنند" . می پرسم : آیا در این کارخانه کارگر زن هم کاری کند ؟ می گویند : " بله" . می پرسم : وضع آنان چگونه است ؟ پاسخ می دهند : " ما زنان کارگری داریم که ۳۰ تا ۳۵ سال است کاری کنند و حدود ۴۵۰۰ ریال مزد می گیرند ولی بطور کلی وضع آنها نیز مثل وضع کارگران مرد است" . می پرسم : حداقل و حداکثر دستمزد کارگران این کارخانه چقدر است ؟ پاسخ می دهند : " حداقل دستمزد ۲۳۰ ریال و حداکثر دستمزد برای کارگران معمولی ۵۵۰ ریال و برای کارگران و کارکنان ماهه ۷۵۰ ریال است" . از اتحاد و ارتباط آنان با کارگران سایر کارخانه ها بخصوصی

نماینده شورا به کارگران : در کار ما دخالتی صورت می گیرد . ولی ما شما را داریم . تا شما با قدرت تمام پابرجا هستید ما هیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد .

کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز حویلی شوم . می گویند : " ما با آنها اتحادیه کبریت سازی سازمان تبریز تشکیل داده ایم . متأسفانه بعضی از نمایندگان کارخانه ممتاز طرفدار کارفرمای خود هستند . او هر کسی را که استخدام کرده به آنها قبولانده است که وظیفه اش جاسوسی و دادن گزارش های کارمندان است و تا به امروز کارفرمای کارخانه ممتاز نتوانسته است نفوذ سابق خود را در کارخانه حفظ نماید . این وضع در کارخانه ما به هیچ وجه دیده نمی شود . علت اتحاد و یکپارچگی بی نظیر ما است . البته وضع ما نیز قبلاً مثل وضع آنها بود" . می گویم : آیا فکر نمی کنید کارگران کارخانه ممتاز راه شلوار می کنند ؟ پاسخ می دهد : " الان تقریباً همینطور است یعنی اکثر کارگران تحت نفوذ کارفرمای خود باقی مانده اند . مثلاً در مورد تعطیلی پنجشنبه ها ، کارگران کارخانه ممتاز از این موضوع به شدت استقبال کرده اند ولی همین چند نماینده موافق نیستند . نمی دانیم تحت چه شرایطی این نمایندگان انتخاب شده اند . احتمالاً بازم اعمال نفوذی در مورد انتخاب آنها شده است" . کارگر دیگری : " حتماً این هم به سازش کاری همان عناصر خریداری شده و ناگامی برخی از کارگران مربوط است . به نظر من آنها با کارفرما زدوبندی کرده اند" . می پرسم آیا خواهد توانست کارخانه را به نحو احسن اداره کند ؟ کارها را پیش ببرید ؟ هم پاسخ می دهد : " چرا نتوانیم ؟ البته که قادر خواهیم بود ولی باید در نظر داشت که کارفرما الان تمام مسئولیت ها را از جمله مسئولیت خرید و فروش را نیز به گردن نمی گیرد . دولت نیز قبول ندارد که ما هیبت نامد بر عامل برای اداره کارخانه انتخاب نمائیم" . یکی از کارگران " دولت فعلاً تا اسجاق قبول نکرده است و همین الان نیز

دیگری می گوید : " آقامن خودم لوله اسلحه اورا نگه داشته بودم . دستم را سوزانید . بهانگه کن ( دستن را جلوی آورد )" . کارگر بزرگتر می گوید : " رژیم گذشته ۴ شاین سر بازمی فرستاد . آنها کتکی زدند ولی اینطوری رفتار نمی کردند . راستش را بخواهید آقا ما از آنها بیمه خیلی کینه پیدا کرده ایم . همین چند روز پیش داشتند ما را می کشند" . می پرسم : آنها همین کمیته هادر جهت تشکیل شورا و به سر برد اهداف آنها کتکی به شما کرده اند ؟ جواب می دهند : " به ما هیچ کتکی نکرده اند . چکبکی می خواستند بکنند ؟" کارگری می آید می گوید کارگران جمع شده اند . شایهه . آران محل خارج می شویم و به یکی از محوطه های اصلی کارخانه می رویم . کارگرا جمع شده اند . دوسه نفر از نمایندگان کارگران را می بینم که بسا لای میزی ایستاده اند . یکی میکروفنی در دست دارد و بلندگوی این میکروفن را در بگری با دست محکم نگاه داشته است . برایم راه بازمی کنند تا نزدیکتر شوم . حدس می زنم احتمالی خواهد بود موضوع مهمی را عنوان کنند . از یکی می پرسم اینکه می خواهد صحبت کند کیت ؟ می گویند او را گرفته بودند . نگاهش می کنم . چهره مصمم و نگاههای استواری دارد . منتظر است هر آن رشته کلام را به دست گیرد . شنیده بودم که او را دوسه روز قبل گرفته اند . گوش می دهم . اکثریت کارگران اینجا مجبور دارند عظمت و قاطعیت کلاش را در همان جمله اول احساس می شود که سرد . می گوید : " سه روز قبل اینها استغفای خود را داده اند و کنار کشیده اند ( منظورش سرمایه داران کارخانه است ) علت استغفای آنها و کنار کشیدنشان راهمه

نماینده شورا به کارگران : در کار ما دخالتی صورت می گیرد . ولی ما شما را داریم . تا شما با قدرت تمام پابرجا هستید ما هیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد .

کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز حویلی شوم . می گویند : " ما با آنها اتحادیه کبریت سازی سازمان تبریز تشکیل داده ایم . متأسفانه بعضی از نمایندگان کارخانه ممتاز طرفدار کارفرمای خود هستند . او هر کسی را که استخدام کرده به آنها قبولانده است که وظیفه اش جاسوسی و دادن گزارش های کارمندان است و تا به امروز کارفرمای کارخانه ممتاز نتوانسته است نفوذ سابق خود را در کارخانه حفظ نماید . این وضع در کارخانه ما به هیچ وجه دیده نمی شود . علت اتحاد و یکپارچگی بی نظیر ما است . البته وضع ما نیز قبلاً مثل وضع آنها بود" . می گویم : آیا فکر نمی کنید کارگران کارخانه ممتاز راه شلوار می کنند ؟ پاسخ می دهد : " الان تقریباً همینطور است یعنی اکثر کارگران تحت نفوذ کارفرمای خود باقی مانده اند . مثلاً در مورد تعطیلی پنجشنبه ها ، کارگران کارخانه ممتاز از این موضوع به شدت استقبال کرده اند ولی همین چند نماینده موافق نیستند . نمی دانیم تحت چه شرایطی این نمایندگان انتخاب شده اند . احتمالاً بازم اعمال نفوذی در مورد انتخاب آنها شده است" . کارگر دیگری : " حتماً این هم به سازش کاری همان عناصر خریداری شده و ناگامی برخی از کارگران مربوط است . به نظر من آنها با کارفرما زدوبندی کرده اند" . می پرسم آیا خواهد توانست کارخانه را به نحو احسن اداره کند ؟ کارها را پیش ببرید ؟ هم پاسخ می دهد : " چرا نتوانیم ؟ البته که قادر خواهیم بود ولی باید در نظر داشت که کارفرما الان تمام مسئولیت ها را از جمله مسئولیت خرید و فروش را نیز به گردن نمی گیرد . دولت نیز قبول ندارد که ما هیبت نامد بر عامل برای اداره کارخانه انتخاب نمائیم" . یکی از کارگران " دولت فعلاً تا اسجاق قبول نکرده است و همین الان نیز

نماینده شورا به کارگران : در کار ما دخالتی صورت می گیرد . ولی ما شما را داریم . تا شما با قدرت تمام پابرجا هستید ما هیچگونه ترسی به دل راه نخواهیم داد .

## پیشروی ایجاب و تقویت شوراهای واقعی

پس از آنکه شوراهای واقعی در کارخانه های کبریت سازی ممتاز تبریز تشکیل داده شد ، این امر نشان دهنده پیشروی و تقویت شوراهای واقعی است . این شوراهای واقعی می توانند به عنوان یک نیروی مبارزه کننده در برابر سرمایه داران و کارفرمایان عمل کنند . این شوراهای واقعی می توانند به عنوان یک نیروی مبارزه کننده در برابر سرمایه داران و کارفرمایان عمل کنند . این شوراهای واقعی می توانند به عنوان یک نیروی مبارزه کننده در برابر سرمایه داران و کارفرمایان عمل کنند .

# شوراهای دهقانی گامی است در جهت بهبود زندگی روستائیان

تشکیل شوراهای دهقانی وسیله  
اتحادیه های دهقانی گشتند تا از این طریق  
بتوانند سهمی را در مقابل نجات و  
غارت زمینداران بزرگ و فئودالها و  
خوانین ایجاد کنند.

تجربیات بسیار گرانبهائی که  
کشاورزان کبکدو پاره ای از روستاهای  
کردستان در تشکیل شوراهای روستائی  
به دست آورده اند حاوی تلاش سازنده  
و یکپارچگی است که کشاورزان این  
منطقه پس از روستا روستائی با مشکلات بسیار  
بدان دست یافته اند. واکنش شاهد  
بیشتر هر چه سریعتر شوراهای خود  
هستند. تا از این طریق بتوانند خود  
حاکم بر سرنوشته خویش باشند.

تشکیل شرکتی تعاونی روستائی  
واقعی و همکاری همه جانبه روستائیان  
زحمتکش در این امر بار سنگین هزینه های  
بسیاری را از دوش دهقانان برداشته است.  
مالکین شاهد رشد شوراهای  
روستائی درباره ای از نقاط مینسپان  
هستم. دهقانان به خوبی بی با اهمیت  
فراوان این شوراهای برده اند و دیده اند  
که چگونه وقتی متخمسین شان که از  
اکاهترین و مطمئن ترین افراد روستا  
می باشند در قطع دست تمام عوامل  
و ابائی رژیم پیشین و عوامل مسز دور  
سرمایه دار و زمیندار قاطعانه افسد ام  
کرده اند. دهقانان دیده اند که بعضی از  
شوراهای روستائی چگونه موفق به لغو  
کلیه بدهی های کشاورزان در رابطه با  
بانکها و موسسات چپاولگر دولتی و غیر  
دولتی و نیز لوخواران مربوط رژیم سابق  
شده اند و در جهت حل مسئله زمین و  
بهره برداری صحیح به دست محرومترین  
کشاورزان که از طریق معادله زمینهای  
زمینداران غارتگر انجام شده به چه  
میزان آرزو شدی گام برداشته اند و به این  
جهت است که چون دهقانان دریافته اند  
که دولت نمی تواند حامی منافع آنان  
باشد، از این رو خواهان شرکت نمایندگان  
منتخب خود در تصمیم گیری های  
دولت می باشند.

اما نباید از این مهم غافل ماند که  
تنها تنها از طریق رهبری کارگران است  
که در مینسپان مشکل اساسی دهقانان  
حل خواهد شد و فقط با حاکمیت طبقه  
کارگر است که حل مسئله زمین و سایر  
مشکلات کشاورزان بطور کلی از بین  
خواهد رفت.

شبه خون به مزارع و منازل روستائیان  
از طرف عوامل مالکین آشکارا  
هدفهای صدهائی زمینداران بزرگ  
بیش از پیش کمک کرده است.

کشاورزان زحمتکش طی ماههای  
اخیر عملا دریافته اند که دولت مخصوص  
در بعضی از نقاط به حمایت آشکار  
زمینداران بزرگ پرداخته است و دیده اند  
که چگونه در جایی که منافع زمینداران  
و فئودالها به خطر افتاده دولت در صدد  
جبران آن برآمده است. حمایتی که تاکنون  
به قیمت جان صدها نفر از توده های  
زحمتکش و استثمار شده مینسپان انجامیده  
است.

کشاورزان و روستائیان تحت ستم  
با این حساب که نمی توانند از دولت  
انتظار حمایت داشته باشند، تصمیم  
گرفته اند که "دیگر منتظر نیامانند و  
با تکیه بر نیروی درخشان و وحدت و  
یکپارچگی خود، نیروی خود را صرف

همینجا ختم نمی شود. چرا که تهاجم و  
غارت زمینداران و بقایای فئودالها در  
بعضی نقاط بیشتر شده تا جایی که غصب  
مجدد زمینهای دهقانان از طریق  
زمینداران و فئودالها با هجوم مزدوران  
آنان به روستا رایج شده است. در این  
میان دولتت بی با  
بی توجهی خاص  
بر حق کشاورزان به وضوح از منافع  
زمینداران و مالکین دفاع می کند و  
توطئه ها و تحریکات زمینداران بزرگ را  
امری عادی تلقی کرده است. وحشی به  
حمایت آنان برخاسته است. نمونه های  
از پستیهای دولت از زمینداران بزرگ  
و مالکین را در مبارزات حق طلبانه  
دهقانان در در کردستان و گنبد و  
خوزستان شاهدیم.

تشدید این قبیل تحریکات  
بخصوص این موقع که فصل برداشت  
معمول است با آتش زدن معمولات و

کشاورزان و روستائیان زحمتکش با  
وجود تمام تلاشهای روزافزون خود  
از نتیجه مطلوبی برخوردار نیستند.  
بعد از قیام تاکنون با وجود افزایش های  
بی گریبان در حل مشکلات کشاورزی شان  
از دولت، بایستی توجهی مفات و مسئولین  
بر روی روستا بوده اند. روستائیان بارها  
برای لغو بدهی ها و دیون خود به بانکها  
و موسسات مختلف دولتی که باقی مانده  
آثار استثمار وحشیانه امپریالیسم و رژیم  
راسته شاه سابق بوده، به مسئولین  
رجوع کرده اند ولی همیشه با وعده و  
وعد های پوچ و تو خالی روبرو بوده و با  
به وسیله حقوق بگیران مالکین سرکوب  
نده اند. خواسته های کشاورزان در مورد  
پرداخت وام، کود و بذر و سموم دفع  
آفات به نتیجه نرسیده است.  
و در اغلب نقاط کشاورزی در شرایط  
استیاری قرار دارد و از طرفی زندگی  
دهقانان تا مین نشده است. اما مسئله به



## نمونه های تازه ای از تجاوز و تجاوز زمینداران

### "آخچقل" قربانی تجاوز باربان

کردستان از روستاهای بعد از قیام  
شاهد یک تازی های زمینداران بزرگ  
یعنی کسانی که در زمان شاه هکساری  
نزدیکی با ساواک و زاندار میری داشته اند،  
بوده است.

یکی از دهقانان نمونه این تجاوز و  
چپاول، غارت، آتش زدن خانه و اخراج  
دهقانان اطراف ارومیه و سلماس در  
اسفند ۵۷ بوده است.

اکنون برای همه روشن است که  
این فئودالها از حمایت مستقیم کیمتت ها  
وزاندار میری و بطور کلی دولت برخوردار  
هستند و چنین به نظری رسد که دولت  
از تجدید روابط ارباب - رعیتی حمایت  
می کند. همه از جریان پخش اسلحه بین  
فئودالها خبر دارند. همه مردم می دانند  
که امرای ارتش، مزد تمین، قیاده موقت  
و فئودالها همکاری نزدیکی با هم دارند  
و حوادث پراکنش و جلدی با بد خالت  
توپ و تانک ارتش نشان دهنده این اتحاد  
نامقدس است.

نمونه دیگری از این فجایع و  
ستمگری ها اخیرا در "آخچقل" در  
محال "صومالی" در روز پنجم تیرماه صورت  
گرفته. ارباب این روستا در پیش صیدی  
دهقانان راه بهانه های مختلف از زمین  
خودشان بیرون می راند. یکی از  
روستائیان این ده به نام "میرزائی"  
از ارباب می خواهد تا برداشت محصول  
به وی فرصت داده شود. ولی ارباب  
این تقاضا را رد می کند و خانه میرزائی را  
به گلوله می بندد و درگیری ایجاد می شود.  
در این درگیری خود در پیش صیدی و دو  
برادر میرزائی کشته می شوند. با کشته  
شدن صیدی، اربابان دیگر به خانه  
میرزائی یورش آورده و خانه راه آتش  
می کشند. اهالی ده مجبور به فرار  
"خروگوش" خانواده میرزائی رانجات  
می دهند.

فئودالها در این جریان حدود شصت  
نفر از افراد خانواده و فامیل میرزائی را  
از خانه و ده خود آواره کرده اند. علاوه  
بر ۱۲۰ هزار تومان پول و وسایل و مدراس  
گوسفند آنها را نیز تصاحب کرده اند.

## مصاحبه با کارگران...

بقیه از صفحه

می دانیم و البته تمام ظلم و ستم آنها نیز روشن است و لازم به توضیح  
نیست. با این وصف ماهه روز است به استنادی و اداره کاری رویم ولی  
در این سه روز ما هیچگونه نتیجه ای از برخوردمان با این دو اداره مسئول  
نگرفتیم. آنها مرتباً وعده روزهای آینده را می دهند. حال معلوم  
نیست ماکي بتوانیم از آنها نتیجه کلی و اساسی بگیریم. ما به این نتیجه  
رسیده ایم که چون امروز لازم است کارگران مزدشان را دریافت کنند لذا  
نورای کارگران که از نمایندگان واقعی خودشان تشکیل یافته و شام آترا  
ناید کرده اند با اجازه شما تصمیم گرفته است بمقدار لازم جهت پرداخت  
دست مزد شما کسبیت فرموده است و دست مزد شما را پرداخت نماید و اگر روز شنبه  
بعنی سه روز دیگر نیز اقدامی از طرف دولت مشاهده نشود ما فسر و ش  
خود را ادامه خواهیم داد تا پول تعطیلات شما را آماده نمائیم و خواهش

ما اجازه نخواهیم داد سرمایه داران علیه ما توطئه  
کنند. ما با همبستگی خودمان نخواهیم گذاشت آنها بر علیه  
ما فعالیت نمایند.

ما کارگران این است که اتحاد کامل خود را حفظ نمایند و در نظر داشته  
باشند که این کاری که ما انجام می دهیم بخاطر این است که شعورای  
واقعی کارگران در مقابل دسیسه های سرمایه داران شکست نخورد و نتوانند  
ایشان قادر نشوند کارخانه را اداره نمایند و ما مجبور شویم که با آنها  
مصلحه کنیم. ما هیچوقت اینکار را نخواهیم کرد. اکنون آب شما حاضرید  
ما چنین کاری بکنیم یا نه؟

کارگران با شرف غیر قابل وصفی خیلی بلند و محکم می گویند  
"بله". نماینده اکتفا نمی کند و دوباره می پرسد آیا همه حاضرید ما این  
"دام را بکنیم". "بله" محکمتر و ستر و قاطع تری دیوارها را می بزند.  
"حکارتگری روبه من می کند و می گوید:  
"میدانی امید ما این است که این اتحاد و اتفاق در کارخانه های  
دیگر نیز هر چه زودتر به چشم بخورد و گاش بهمین زودی و ایمان دارم  
که پاسخ صحیح است.  
به سخنان نماینده گوت می دهم:  
"خیلی خوب. اینها قرار کرده اند و با خودشان مقدار زیادی  
پول برده اند ولی این مشکل نیز حل شده است. ما می گوئیم دستمزدها را  
اضافه کنیم.  
کارگران پاسخ می دهند:  
"انشاء الله"

نماینده می گوید: "حتی در این کار شاید بعضی مداخلات نیز بشود  
ولی خوب ما شمارا داریم. تا شما با قدرت تمام با برجاهستند ما هیچگونه  
ترسی به دل را نخواهیم داد. هیچوقت اتحاد خود را از دست ندهید

## مواظب بگردید که...

مواظب بگردید که... دیگر عرضی ندارم. موفق باشید.  
آنها این می آید. کارگردگری از فرصت استفاده می کند و میکروفسن  
را به دست می گیرد و چنین می گوید:  
"ما هر چه پرداختار شاه و سرمایه داران را به دست می آوریم که در  
کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله"  
ادامه می دهند: "آنها بی که در فکر آن هستند که دوباره رژیم  
طاغوتی بازگردانند فکر را بخود به گور خواهند برد.  
کارگران پاسخ می دهند: "انشاء الله"  
باز می گوید: "ما موفق خواهیم شد. خواسته های ما بالاخره  
برآورده خواهد شد. تمام خائنین را می خواهیم بگردیم. تمام سرمایه داران  
و طرفداران آنها را که خائس محسوب می شوند می خواهیم بگردیم."  
در فاصله این شعارها صدای بلند و یکپارچه "انشاء الله" به گوش  
می رسد. کارگران کم کم پراکنده می شوند ولی باز عده ای از کارگران  
می آیند و می خواهند دردها، رنجها و مشکلاتشان و خلاصه همه زندگیشان  
را برایشان بگویند. کارگری می گوید:  
"۱۴ سال پیش من یک انگشت خود را از دست دادم و نزدیک  
همین میدان یکی انگشتم برید. و مجبور شد ندا گوشت بازویم ببرند  
و به انگشتم پیوند بزنند (می خواهد بیرونش را در آورده و بازویش را  
نشاند دهد) ۸ سرعائله دارم و ۴۳ تومان دستمزد می گیرم. من  
به راستی قادر نیستم به این زندگی ادامه بدهم.  
می پرسم آیا از کارشورای خودتان راضی هستی؟ فوری جواب می دهد:  
"آری خیلی راضیم". می پرسم. فکری کنی برای پیشبرد اهداف  
شورا که در حقیقت اهداف کارگران است چه کار باید کرد. پاسخ می دهد:  
"باید یکمی شویم".

کارگردگری صفات زندگی را بر سرتم برام ورق می زند  
می فهمم که ۲۴ سال در این کارخانه کاری کند و تا حال از بسیاری  
چیزهای اولیه و عادی زندگی محروم بوده است و می فهمم که اغلب روزها  
به قول خودش روسا به دست خالی به خانه نزد خانواده اش برگشته است.  
اومی گوید ما تقریباً ۸۰ نفر کارگریم که فقط ۱۵۰ نفر ما از آنها بطور  
تسلی صاحب مسکن هستند و بقیه از این لحاظ بسیار در مضیقه اند. او  
پیشنهاد می کند که از زمین های بلا استفاده بی حد و حصر توکلی یکی را در  
اختیار کارگران کارخانه قرار دهند تا در این زمین کارگران برای خود  
خانه سازند.

از قانون اساسی و مجلس موسسان یا "خبرگان" می پرسم و می گویم:  
"اگر فرض تو نماینده مجلس انتخاب بشوی در این مورد چه  
پیشنهادات یا اقداماتی می کنی؟  
می گوید: "من که نماینده انتخاب نمی شوم ولی شخصی که انتخاب  
می شود باید جلواتال توکلی ها را که روزانه صد و بیست هزار تومان به حساب  
می زند بگیرد. این دستبرد به حقوق مانده در قانون الهی و نه در قانون  
غیر الهی در هیچکدام نیست.  
کارگردگری از من با صراحتی خواهد به سخنانش کوش دهم و  
می گوید:  
"من ۱۷ سال است در این کارخانه کاری کنم. زمانی زمن  
حامله بود رفتم پیش حاج نقی توکلی ازوی خواستم در این مورد کمکم  
کند. او با عصانیت بیرونم کرد و گفت آن کارخانه برایم صرف نمی کند.  
و افرص دستمزد شما را می بردارم. از من این انتظارها را نداشته باش.

## کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

## کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د

# کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و د



## کارگران نقاش سندیکای قلابی را افشامی کنند

در خرداد ماه امسال جزوهای تحت عنوان "سندیکا چیست و چگونه پیمانکاران و افراد صدکارگر در سندیکای نقاشان انتخابات قلابی راه انداخته اند و چطور با آنها مبارزه کنیم" توسط کارگران نقاش پیشتاز منتشر شده است.

از آنجا که در این نوشته تفرقه اندازی و نفاق افکنی کارفرمایان در میان کارگران، دخالتیابی بی جای کمیته هادراسور کارگری، و ماهیت وزارت کار که همیشه جانب سرمایه داران را گرفته است، افشا شده است. ماه انتشار قسمتی از آن می پردازیم و اطمینان داریم که آگاهی از آن برای تمام کارگران مبین مآزوند خواهد بود. در این نوشته کارگران نقاش نشان می دهند چگونه کارفرمایان، پیمانکاران و جیره خواران حامیان آنها به طرق مختلف می کوشند در میان کارگران اختلاف بیندازند، کارگران را راه سلیمان و غیرسلیمان، مسیحی و مسلمان... تقسیم کنند، نابرابری مدتی دیگر به استعمار برحمانه ادامه دهند و موافقی بر سر راه اتحاد و تشکیل کارگران به وجود آورند.

امروز عمدتاً در این شوهای که دشمنان طبقه کارگر به کار می گیرند، تا بار دیگر همانند رژیم صدکارگری گذشته تسلط بی چون و چرای خود را تأمین کنند، سو استفاده از اختلافات عقیدتی و دامن زدن به اختلافات مذهبی در میان کارگران است. اما از آنجا که کارگران دارای هر عقیده و هر مذهبی که باشند توسط سرمایه داران استثمار می شوند و منافع مشترک آنها اتحاد آنها را ضروری می کند. سرانجام این حمله ها نیز افشا خواهد شد. باشد که رشد آگاهی و تجربه سرمایه داران کارگران همه این دسیسه ها را نقش بر آب کند و طبقه کارگر متحد و متشکل مبین مادر جیت نابودی نظام سرمایه داری که جز استثمار، فقر و ستم برای کارگران نتیجه ای ندارد، پیش نازد. کارگران نقاش پیشتاز در این نوشته خود ابتدا اشاره می کنند که سندیکا تأمین کننده منافع صنف کارگران است، و همکارگران یک صنف با حرفه صرفت منافع از تفاوت صنف، جنس، مذهب، عقیده و نژاد می توانند برای تأمین منافع صنفی و سرافرازی خود در سندیکا متشکل شوند و از حقوق خود دفاع کنند. سپس به بررسی شیوه های مزورانه و تفرقه افکنانه کارفرمایان می پردازند و چنین می نویسند:

از آنجا که کارگران با هم از یک طبقه و یک حرفه هستند و منافع مشترک دارند، پس باید با هم متحد شوند و با هم مبارزه کنند. اما کارفرمایان می خواهند با ایجاد اختلاف بین کارگران، آنها را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند. کارفرمایان می خواهند کارگران را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند. کارفرمایان می خواهند کارگران را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند.

## درباره ملی کردن بانکها

● سرمایه های خارجی که حاصل سالها استثمار و بهره کشی خلقهای ایران است باید به نفع نوده های زحمتکش مصادره شود.

نیز حاضر به پذیرش نظم کهنه نبودند. بدین جهت اکثر کارکنان بانکها اقدام به تشکیل سندیکاها و شوراهای اداری کردند و با راهی از این سندیکاها و شوراهای اداره بانکها در دست گرفتند. به عنوان مثال: پس از فرار هیئت مدیره بانک مسکن، مدیران بانک به دست نمایندگان منتخب کارکنان افتاد. کارکنان بانک پارس مدیرعامل را اخراج کردند و از طریق سندیکا، مدیرعامل جدیدی انتخاب کردند که اورا به هیئت مدیره نیز قبولانده بودند. مدیریت بانک تهران نیز عملاً از طریق کمیته های مشترک سندیکای مدیریت زیر نفوذ سندیکا قرار گرفته بود. دولت برای مقابله با این امر می کوشید با صدور بخشنامه هائمی مبنی بر نقی سندیکای شوراهای غیره، کارکنان بانکها را از مشارکت در امور باز دارد و همسایان مدیران و سرمایه داران مفتخور و وابسته سابق را تقویت کند. ولی در بانکها با مقاومت کارکنان روبرو شد. توده هائیز همچنان به بانکها اعتماد نمی کردند و مبرا خواستار ملی کردن آنها و مصادره سرمایه های داخلی و خارجی که حاصل استثمار چندین ساله آنهاست، بودند. بخشی از هیئت حاکمه نیز صحبت از ملی کردن بانکها می کرد. دولت که نتوانسته بود با تلاش های مذبحو حه خویش مشکلات بانکها را حل کند با توجه به مسائل فوق بانکها را ملی اعلام کرد و اداره آنها را در دست گرفت.

بحرانهای دوره ای " در ذات نظام سرمایه داری است. در عصر امپریالیسم (از اوایل قرن نهم به بعد) این بحرانها وسیع و عمومی می شوند یعنی اکثر کشورهای سرمایه دار در برابر می گیرند. این بحرانها به حوامی که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته اند نیز خواه ناخواه منتقل می شوند. مسلماً انتقال این بحرانها به حوامع وابسته موجب کاهش اثرات بحران در کشورهای امپریالیستی در حدود سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ با یکی از شدیدترین بحرانها روبرو شدند. اثرات این بحران در ایران، کسه در آن تضادهای طبقاتی شدت یافته بود. جدی ترین مشکلات اقتصادی راه مبارز آورد. این بحران رسته ای شد تا جنبش خلقهای تحت ستم اوج بگیرد و با تأثیر گذاری بر بحران موجب عمیق تر شدن آن شود. آنچه در زیر می آید تلاشی است در جهت نشان دادن وضعیت بانکها (کسه) یکی از مهمترین حلقه های پیوند اقتصادی با امپریالیسم هستند (از تروم بحران سا به اصطلاح ملی کردن آنها). با شروع مبارزات ضد دیکتاتوری ضد امپریالیستی مردم که بخوبی از نقش غارتگرانه بانکها به عنوان سبیل و استکی نظام آگاه بودند (و بعنوان مثال می دانستند که دارایی بانکها در طول سال اخیر ۷ برابر شده بود) نوک حمله خود را متوجه بانکها کردند. در تظاهرات خیابانی با تهاجم به بانکها خسارات زیادی به آنها وارد ساختند و هزاران بانک را ضمیمه حشم خود کردند. از طرف دیگر با بیرون کشیدن سیرده خویش و نیرد احتیج بدهی هایشان ادامه کار بانکها را محتمل کردند. کارکنان بانکها نیز با اعتراضات و افشای های خود در کنار توده های مردم کار بانکها را کاملاً فلج کردند.

سرمایه داران وابسته وعده ای از صاحبان بانکها با اوج گیری مبارزات از ترس حشم انقلابی از طریق بانکها بولهایشان را به خارج منتقل کردند و خودشان فرار را بر فرار ترجیح دادند. اعتصابات سراسری زحمتکشان نیز باعث رکود تولید و در نتیجه رکود شدن سرمایه های بانکی شد و سرمایه گذاران تمایلی به سرمایه گذاری در صنایع نشان نمی دادند. از طرفی ارزش دارایی های ثابت و وثیقه های بانکها در مقابل وامها و اعتبارات اعطایی در اختیار داشتند به شدت کاهش یافت. مجموع این مسائل باعث شد که سیستم بانکی در ایران با خطر ورشکستگی روبرو شود. نگاهی به وضعیت بانک های "صادرات"، "شهریار"، "صنایع"، "تهران" و "کار" می تواند این موضوع را به خوبی نشان دهد. در این موعوم راه خوبی نشان دهد. سپهر ماه ۵۷ تنها حجم سیرده های بانک صادرات نسبت به سال قبل ۶۸ میلیارد ریال (حدود ۲۰٪ کل سیرده ها) کاهش یافته و بانک موم در مجموع در پایان سپهر ماه مبلغ ۹۹ میلیارد ریال از حجم سیرده های خود راز دست دادند. این رقم حدود ۲۰٪ مجموع سیرده های آنان می شود. پایه عنوان نمونه در پایان اردیبهست ماه سال جاری بدهکاری بانکها به دولت ۱۸۴ میلیارد ریال بوده است. پس از قیام سپهر ماه، دولت بازرگان قدرت را در دست می گیرد. دولت با توجه به ماهیت طبقاتی خویش در اقدامی کوشد از طریق ترمیم نهادهای اقتصادی رژیم سابق به رتق و فتق امور بپردازد. در مورد بانکهای می کسد با تزیق پول و اعتبارات، باز جریسد اوراق قرضه، فراه آوردن امکان اضافه در این زمان بانکهای خارجی هم به بانکهای خصوصی اعتماد نمی کردند و از وام دادن به آنها خود داری می کردند. پس از قیام عده زیادی از مدیران و صاحبان بانکها حرات حاضر شدن در سر کار خود را نداشتند. کارمندان بانکها

● دولت با سو استفاده از اعتماد توده ها به بخشی از هیئت حاکمه و کاربرد قدرت متمرکز خویش می کوشد با دولتی کردن بانکها سرمایه داری وابسته از هم پاشیده را سامان دهد.

آن راه بعد موقوف کرده اند. در مورد سرمایه های خارجی که حاصل سالها استثمار و بهره کشی از خلقهای ایران است و مصادره کردن آنها خواست حقه خود است و زحمتکش می باشد، رئیس بانک مرکزی (که از مقامات برجسته حزب رستاخیز بوده است) طی مصاحبه ای می گوید:

"درباره پرداخت عرامت به صاحبان سهام خارجی بطوری که بارها اعلام شده فرقی میان این سهام با سهام داخل قائل نخواهیم شد و سعی خواهیم کرد که حقوق حقه سرمایه گذاری خارجی با قوانین جاری کشور و با در نظر گرفتن قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی تأمین نمائیم."

وی تأکید کرد:

"نه تنها صاحبان سهام خارجی نباید کوچکترین نگرانی از ملی شدن بانکها به خود راه دهند بلکه باید مطمئن باشند که در نتیجه ملی شدن قرضه های خارجی بانکها نیز از سوی دولت تأمین و پرداخت خواهد شد و اگر چند روزی به علت مشکلات اداری که در تمام انقلابها پیش می آید، تاخیری رخ داده نباید هیچگونه نگرانی به خود راه دهند. . . ." (از روزنامه آینه گان شنه ۹ تیر).

این سخنان احتیاجی به توضیح ندارد و خود به خوبی ماهیت آقای مولوی را روشن می کند و نشان می دهد که در خدمت خواستهای حقه سرمایه داران امپریالیست می باشد نه خواست های برخی توده ها (نه همین جهت هیچگونه حرمی از ۵۲ دفتر نمایندگی سندیکای خارجی در ایران که کلبه عملیات

از کارگران با هم از یک طبقه و یک حرفه هستند و منافع مشترک دارند، پس باید با هم متحد شوند و با هم مبارزه کنند. اما کارفرمایان می خواهند با ایجاد اختلاف بین کارگران، آنها را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند. کارفرمایان می خواهند کارگران را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند. کارفرمایان می خواهند کارگران را از هم دور کنند و آنها را در برابر یکدیگر بگذارند.

عمده و مدیران بانکها را کسبی تشکیل می دهند که خود از صاحبان صنایع وابسته هستند. بطور مثال: حاجی برخوردار که عضو هیئت مدیره بانکهای ایران، ایران و خاورمیانه و توسعه صنعتی و معدنی است خود صاحب صنایع پارس الکتریک نیز هست. . . . با لاجوردی ها عضو هیئت مدیره بانکهای بین المللی ایران و ژاپن، توسعه سرمایه گذاری ایران و صاحب ۲۳ موسسه اقتصادی ایران هستند. بدین ترتیب رابطه متقابل صنایع و بانکها نشان می دهد که سرمایه داری بدون سیستم بانکی قادر به ادامه حیات نیست. توجه داشته باشیم که سرمایه گذاری بانکها نامحدود بوده است و بعنوان مثال در پایان سال ۵۶ بانکهای خصوصی ۱/۵ برابر سرمایه خود، سرمایه گذاری کرده بودند.

بنابراین هر انقلابی که خواهان نابودی امپریالیسم و سرمایه داری وابسته باشد با توجه به رابطه بین سیستم بانکی و صنایع غیره، باید تمامی این رشته ها را به همراه هم ملی کند و چنین انقلابی لزوماً انقلابی دموکراتیک است که طی کارگر در اتحاد با دهقانان و دیگر زحمتکشان آن راهبری می کند. انقلابی است که ملی کردن را با مصادره اموال و کلبه سرمایه های بزرگ داخلی و همه سرمایه های خارجی همراه خواهد کرد. و آنگاه اداره امور این اموال و سرمایه ها را از طریق شوراهای و به دست قدرتمند توده ها خواهد سپرد.

\*\*\*

## حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود

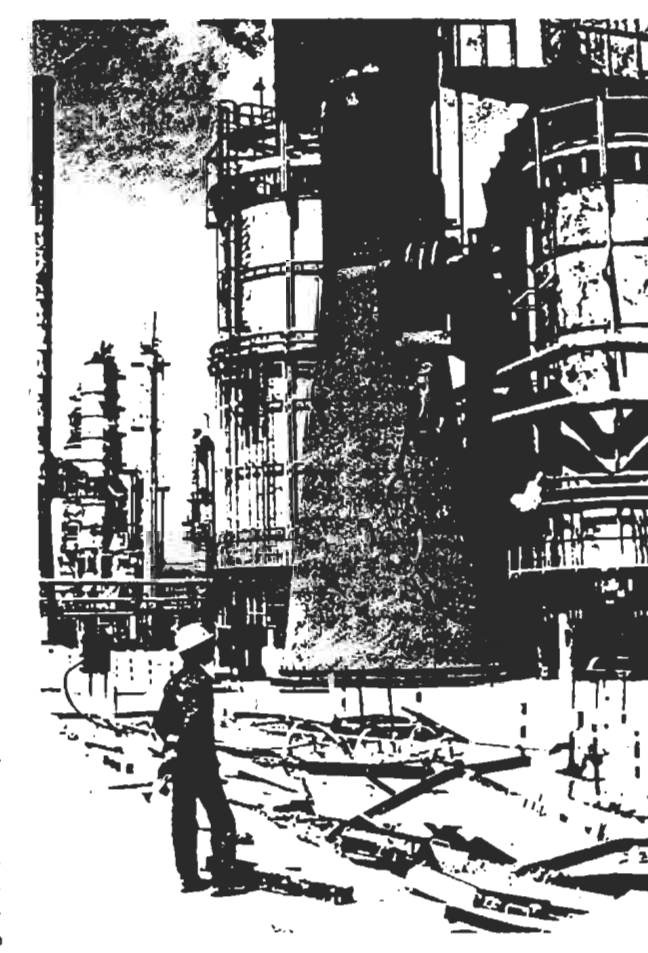
این شیوه ها به خوبی ماهیت حمتکشان را نشان می دهد. حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود. حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود. حمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو شود.

کارگران دخواست:

بقیه از صفحه ۱

### دولت تولیدات داخلی را...

گروهی از کارگران دخواستنامه‌های برای مائوسال داشته‌اند و ضمن آن دولت را مورد سؤال قرار داده‌اند که چرا با گشودن رزهای ایران بر روی سبک‌های خارجی...  
 ...حسب سرمایه‌داران استعمارگر را برمی‌نماید؟ چرا نمی‌گذارد به جای اینکه این چند سبک خارجی گرانقیمت از کشورهای امپریالیستی وارد گردد...  
 کارخانه‌های داخلی به کارافتند تا هم کارگران زحمتمند دخواستنامه‌ها بکارنهند و هم دهقانان بیون کار ایرانی از ورگسنگی نجات یابند؟  
 ...آیا سبک‌های استعمارگر است که هنوز دستهای استعمارگر کشور ما در دستهای این سبک‌ها و دیگر سبک‌های استعماری از اکثریت مردم ما مانده و روبرو هستند...  
 ...دولت برای تهیه سبک داخلی در اختیار دارد، از تولید آن خودداری می‌کند؟  
 کارگران و زحمتمندان ما چگونه می‌توانند با وجود این همه بیکاری و درآمدهای ناچیزی که دارند سبک‌های در دستهای دولت بپردازند؟  
 ...ریزم ببینیم که به خاطر حمایت از محصولات امپریالیستی اقتصاد کشاورزی و صنعتی کشور را ورگسنگ کرده بود و جلوی رشد مرغوبیت تولیدات داخلی را می‌گرفت تا بازار خوبی برای اربابان ایجاد کنند...  
 دخواستنامه‌ها نیز از این قانون مستثنی نبود...  
 آیا ادامه همان سیاست‌های اقتصادی و گاهی بدتر از آن و قطع تولیدات داخلی برای کارگران با این اجهاد نمی‌کنند که باید دولت کمونی را از آنچه هست و نشان می‌دهد بهتر بشناسند؟  
 در اینجا ما نام گروهی از کارگران دخواستنامه‌ها را جا کرده و مصافح راه مردم ایران را و گذار می‌کنیم.  
 کارگران می‌گویند:  
 اگر دولت نمی‌خواهد با دامان زدن طرفه و جدائی بین کارگرانی که بر طبق ساعت مزد دریافت می‌کنند مسئله ۴۰ و ۴۸ ساعت کار در هفته را که خواست اکثر کارگران است لاینحل بگذارد...  
 چرا با کم کردن ساعت کار دخواستنامه‌ها ۱۲ ساعت در روز و ۸ ساعت همان حقوق سابق راه کارگران بدهد و بسیاری حیران کمبود تولید کارگرانی جدید برای سف (نوبت) بعد استخدام کنند؟  
 تا نه به اقتصاد کشور لطمه ای وارد شود و نه زندگی کارگران محمل شود. آیا کسی



مردم مبارز ایران با شرکت در راهپیمایی روز شنبه

بقیه از صفحه ۱

### خاطره قیام ضد امپریالیستی...

در روز سی تیر کارخانه همدانشگاهها، مدارس، بازار، کسبه و تانک‌های ادارات به حال تعطیل درآمدند.  
 پس از یکی دو ساعت دانشگاران انجمن‌های دانشجویی همدانشگاهها دست‌ازکار شدند و شهر تهران بیکباره به حال اعتصاب درآمد.  
 تظاهرات از صبح از خیابانهای اطراف بازار، بوذرجمهری، ناصرخسر و سروس، خمام، پاناروپا شروع شد و به طرف توپخانه و اکباتان پیش رفت نیروهای ارتش ابتدا با یورش های سرسبز و سپس با شلیک تیر به کارسردن تفنگ و مسلسل با جمعیتی که بسوی مجلس شورای آمد مقابله می‌کرد تا سرانجام در میدان توپخانه (سپه) بهارستان و خیابان اکباتان، تانکها به مقابله با مردم رفتند و در این برخورد عده زیادی کشته و مجروح شدند. بهارستانها بخصوص بهارستان سنابل و از زخمی شده بود. جنازه‌ها بر سر دست های مردم در جلوی جمعیت تظاهر کننده حرکت داده می‌شد و مردم از پس آن شمار می‌دادند. مقارن ظهر شور و هیجان مردم به اوج خود رسید. نظریه‌های تظاهراتی در شهرهای دیگر ایران نیز برپا شده بود. اخبار تظاهرات و قیام مردم مرتباً به دربار و قوام می‌رسید. برادر شاه، شاهپور علیرضا به خیابان آمده بود و شام بود که در چهار راه آب سردار (خیابان زاله) شصتاه مردم شلیک می‌کرد. مستشاران نظامی امریکا که آن موقع در ارتش بودند، خطر تمسرد و سرپیچی در ارتش را خاطرنشان ساختند و این واقعه‌ای بود که افسران ارتش در چند نقطه تهران از تیراندازی به مردم خودداری کردند و به مردم پیوستند.  
 از حظه در خیابان شاه آباد نزدیک میدان مخیرالدوله اسیری از داخل تانک شروع کرد.  
 تیراندازی به مردم از این افسر تیر خنکی به شدت استقبال کردند. سفیر امریکا از قیام مردم بهراس افتاد و به دربار اعلام خطر کرد.  
 او خطر گسترش مبارزات مردم و با شلیک ارتش و سرنگونی رژیم سلطنتی را گنجد کرد. نکته برجسته در این تظاهرات، رزمندگی مردم در مقابل تانکها و مسلسل‌ها و نیز دادن شعارهای مدد برای وضد شاه از جانب آنان بود. عناصر دست راستی حسیه ملی با دادن شعارهای ضد درباری مخالفت می‌کردند. این تظاهرات در آیت اله کاشانی و بنائش نظیر شمس قنات آبادی و شعبان بی می بودند که هنوز در صفوف حسیه ملی باقی بودند. نیروهای چپ برعکس روی شعارهای ضد شاه اصرار می‌کردند.  
 در بعد از ظهر رزمه هائی شنیده می‌شد که مردم قصد حمله به کاخ شهباز دارند. مردم قبلاً مجسمه شاه در پارک شهر را که هنوز برده برداری نشده بود به آتش کشید و و تانیمه هائین کشیدند. سرانجام با شهادت هفتاد و چند نفر (که در این باب به خاک سپرده شدند) و صد هار زخمی در تهران، در ساعت سه بعد ظهر سی تیر دربار و امپریالیسم وحشت زده عقب نشستند و از گتت مصدق را پذیرفتند.  
 این بار مصدق با نیروهای خود معاً به نخست وزیری رسید.  
 بدین ترتیب مردم ایران در برتر اتحاد، وحدت عمل در میدان مبارزه حرکت قابل توجهی در مقابل مادشمن، رزمندگی و از خود گذشتگی به پروری بزرگی نائل شدند و یک روز افتخار آس در تاریخ مبارزات مردم ایران به نیت رسید.  
 آنچه قیام سی ام تیر را برجسته می‌سازد آن است که مردم ایران یعنی کارگران، زحمتمندان، دانشجویان، دهقانان، دانش آموزان، بازاربانان، کسبه، کارمندان، همه و همه سر دم از خرد و کلان، زن و مرد و وحدت و یکپارچگی خود را در میدان مبارزه، در کوچه و خیابان تحقق بخشیدند. نه در اطراف هسای درسته و پشت میزهای مذاکره. ایسی تمام مردم و برخورد ها و درگیری های

داخلی بود.  
 نیروهای انقلابی خلق، کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، بازاربانان، کسبه، دهقانان، پیشه‌وران و غیره...  
 علیرغم اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی دست در دست هم علیه دشمن مشترک نام کردند. جانبازی ها کردند. شهادت رسیدند و بالاخره دشمن خلق یعنی دربار و امپریالیست‌ها را وادار به عقب نشینی کردند.  
 این چه کسی است که با گشودن مرزهای ایران به روی سبک‌های خارجی بازار را از این سبک‌ها انباشته کرد و و چرخهای اقتصادی سبک‌های کارخانجات دخواستنامه‌ها را از کار بازمی‌دارد؟  
 ما کارگران دخواستنامه‌ها بعد از انقلاب آمادگی از چهار میلیون به شصت و چند میلیون رساندیم، بدون توقع دیناری، اگر مسئولین امر مدعی هستند که ما توتون نداریم چرا به جای سبک توتون وارد نمی‌کنند؟  
 که دست زارع توتون کار و کارگر دخواستنامه‌ها را بکجانند؟  
 لاف کارخانه تولید نماید تا هم کارگر سبک تولید کند و هم زارع توتونکار سد جوع نماید.  
 چه شده است به جای اینکه تقدیری از کارگران زحمتمندان این کارخانه در مقابل فعالیت‌های مداوم آنها به عمل آید بخشنامه‌های از طرف مفسد وزارت صنایع و معادن صادر و ابلاغ می‌گردد که ساعت کار کارگران تقلیل یافته و یک سوم مزد آنها کم کرده‌اند.  
 چه شده است که وزارت کار هم در مورد کارخانجات دخواستنامه‌ها سکوت می‌کند؟  
 غیر از این است که با گشودن مرزها و سبک‌های خارجی به بازار ایران حسیه ملی سرمایه‌داران استعمارگر را بر سر می‌نمایند؟  
 کارگر و زارع را دلسرد و ناراضی به برمی‌آورند؟  
 چرا به فکر این نیستید که هنوز هم سبک ایرانی گران و کمیاب است. ما کارگران دخواستنامه‌ها دولت همدارمی دهیم هنوز هم دستهای استعمار کوتاه نشد و ما به حکم وجدان انقلابی خود از هیچگونه انتقاد و مبارزه کوتاهی نخواهیم کرد.  
 گروهی از کارگران دخواستنامه‌ها

شاه و مرچمی که فلا آمساده توسط سده بودند، در تانکها و تانکها حضور رای دادگاه لاهه و از سده شدند. شاه بلافاصله استعفا می‌خواست و راقبول کرد و قوام السلطنه را که در نوکری اش نسبت به امپریالیسم هیچکس سکی نداشت، به نخست‌وزیری برگزید.  
 این عامل امپریالیسم که خائن هاس در سال ۱۳۲۵ و کشتار خلق همدانشگاهها و کردستان در خاطره همدانشگاهها بود، پس از زوری کار آمدن حسیه اعلام‌های دشمنی خود را با مردم مبارز ایران اعلام کرد. این اعلام معر و ت قوام (که با این جملات شروع می‌شد کشتن را اساسی در آمد. "و دور عصیان سری شد") عملاً مردم را به مقابله ناو برانگیز.  
 از همان روزهای اول استعفا می‌مصدق سبتر بگویم برکناری او از جانب شاه سبک‌های چپی و ملی که نارو هسای قبل به علت سبک علتر و سبکری حزب نوده در مقابل هم فرار گرفته بودند، به هم برنگ شدند و در حسانهای مرکزی شهرها همکاری ها و تظاهرات مشترک افراد می‌کردند و مراکسون حسیه ملی دولتی و آیت اله کاشانی که در آن موقع در دوم حسیه ملی بود، از بازاربانان دعوت کردند بازار را روزی سی تیر تعطیل کنند ولی حسیه ملی و نه آیت اله کاشانی همکدام مردم را به تظاهرات دعوت نکردند.  
 در روز ۲۸ بر ماه جمعیت مبارزه با استعمار که از حمایت کارگران و روستاگران و نیروهای حسیه سرچوردار بود اعتصاب سی تیر را نشاند کرد و مردم راه تظاهرات دعوت کرد. روز ۲۹ تیر دولت قوام به آمد آنکه مردم تنها به اعتصاب اکتفا کنند و در خانه ها بمانند حاضر در اعلام حسیه ملی از راه جوانان بود و یکی از رهبران حسیه ملی (مهدیس حسیه) اعلام را خواند.  
 در این اعلام به مردم دعوت شد که سبک‌های خود برود و ملی در خانه ها بمانند. اما علیرغم خواست رهبری، سده‌های مردم اعلام را ناوور نکردند و آن را ناسد کردند.

درود و افتخار بر شهرداری قهرمان سی ام تیر و همه شهسای به خون خفته خلق مستحکم با اتحاد تمام نیروهای انقلابی خلق های ایران نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

### کار، مسکن، آزادی



# جشن گندم بر زحمتکشان ترکمن صحرا مبارک باد

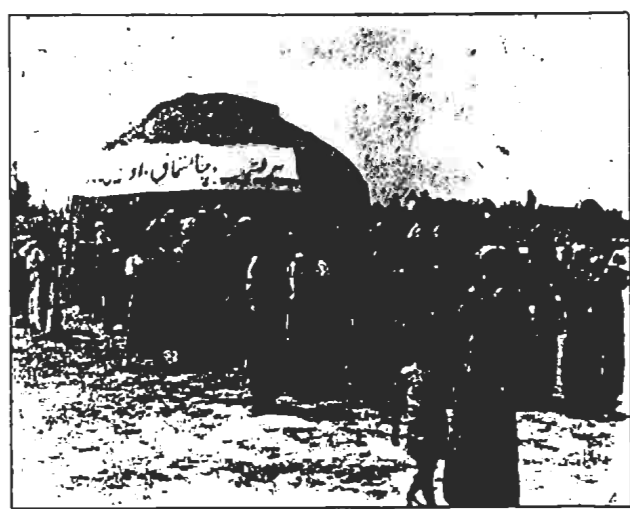
بد دعوت شورای دهقانی روستای کنگور از توابع کلاسه (آی درویش) جهت برگزاری جشن گندم که یکی از سنن قدیم خلق ترکمن پس از برداشت محصول است مراسمی به همین مناسبت در روز جمعه ۱۵ تیرماه در محل شورای روستای مرسور اجرا شد. در این جشن عده زیادی از روستائیان، نمایندگان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و همچنین آسپای ارراش، روحانی مبارک گندم، شرکت داشتند.

دیوارهای محل شورا با تاعاره‌های اغلاسی تزیین شده بود، تاعاره‌هایی درباره ضرورت اتحاد کارگران و دهقانان و ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی و تحکیم آنها. مراسم در ساعت ۵ و ۵ صبح شروع شد.

در آغاز برنامه یکی از اعضای شورای دهقانی کنگور در مورد آداب و رسوم خلق ترکمن به ویژه جشن گندم که در دوران دیکتاتوری و اختناق به این صورت باشکوه برگزار نمی شد سخن گفت. سپس به بازپس گرفتن زمینهای منحصی از غاصبین که همه از مزدوران رژیم منگور پهلوی بودند، اشاره نمود و تاکید کرد که فقط با اتحاد و اتفاق دهقانان چنین کاری امکان پذیر است.

آقای ارراش، روحانی مبارک گندم در این مراسم، جشن گندم را به زحمتکشان تبریک گفت و آنگاه در برابر ماست تاعاره‌ها را که همان زمینداران ناصی و عماله آسپای باشند و همچنین سرورب عقابله دهقانان با آنها سخن گفت. او تاکید کرد که زمینداران با نسیان اصلی جنگ تحمیلی ۹ روزه گندید بودند. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا سر در پیام خود صن تبریک جشن گندم عنوان نمود که "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا از درون مبارزات پیگیر مردم تحت ستم این منطقه به وجود آمده و تجلی اراده توده‌های تحت ستم است در دست دیگری از پیام گفته شد."

بلکه جنگی بود پس زمینداران غاصب که از حمایت دولت برخوردار بودند و زحمتکشان غارت شده. در این مراسم سامبانی نیز از کالون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - شاخه کلاسه، تانوی فرهنگی سیاسی خلق ترکمن، تاحه بندر ترکمن، خندس بیام از شوراهای دهقانی محلی از جمله روستاهای "دهد" "گمب تبه"، "ایمر"، "تاتار علیا" "تیره فره پوری" و... خوانده شد. طی این جشن باشکوه هنرمندان ترکمن ترانه های پرشوری اجرا کردند. جشن گندم که شاه شرایط سیاسی کنونی و آگاهی روزافزون زحمتکشان ترکمن صحرا کفشتی فراتر از یک جشن معمولی بگذرد، بود و فرصتی برای تحکیم پیوند اجتماعی و سیاسی آسپان بدل شده بود. در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر پایان یافت.



# زحمتکشان روستای زینوند مرتجعین را افشاء میکنند

برآمدند. بر طبق روش معمول در این روستاکنون در برداشت محصول ۶۶٪ به ارباب و ۳۴٪ به کشاورزی رسید. اما پس از اعتصاب و مبارزات بی گسری که متحدان از طرف زحمتکشان روستا انجام شد، عده‌ای از مالکین را وادار کردیم که محصول به نسبت ۵۰-۵۰ بین ارباب و مالکین دیگر تقسیم گردد. این توافق از جانب مالکین دیگر زنگ خطری به حساب آمد. و به این جهت بود که آنان در صورت تحریکات و توطئه‌های جدید برآمدند. این تجاوزات تاکنون با تاحاهم به منازل و مزارع کشاورزان، ابراد صرب و جرح نسبت به اهالی و قطع درختان میوه و آسیب رساندن به وسایل مکانیکی و حتی کشاورزان همراه بوده است.

اما کشاورزان با حفظ وحدت خود تاکنون به خوبی با توطئه گری همسایه‌ها و خرابکارهای اساسی مالکین مقابله کرده‌اند و با استفاده از تجربیات سایر روستائیان در جلوگیری از تجاوزات مالکین از طریق شوراهای روستایی هر چه بیشتر خواهند کوشید که با انتخاب اشخاص صالح و آگاه از بین زحمتکشان ترین افراد روستا ایجاد و تقویت شوراهای دهقانی خودکوشن کنند.

بهشهر - اخیرا گزارشی از زحمتکشان (خوشنشینهای) فریبه‌زینوند از توابع بهشهر به دست ما رسیده که به افشاءگری و ناهنجاری عوامل مرتجع در این منطقه اشاره کرده‌اند که در روز به خلاصه‌ای از این گزارش می پردازیم. از آغاز حرکت انقلابی خلقهای سپنمان که با شرکت در راهپیمایی و نظاره‌ها در بهشهر و نگاه دوشادوش سایر مردم مبارز در مسازات شرکت می کردیم در این گیرودار چندین نفر از عوامل مرتجع ساخته شده سعی در برهم زدن اجتماعات داشتند. از آن جمله یکی از مرتجعین سرسپردگان رژیم سابق است که با گزارشی به پاسگاه ژاندارمری بهشهر باعث پورش جدیدین نفر ژاندارم به روستا شد که در این ماجرا تعدادی از روستائیان مورد ضرب و ستم قرار گرفتند. او پس با ایجاد آتشسوزی مصنوعی در بازار خود از ۲ تن از جوانان مبارز فرقه به پاسگاه شکایت کرد. لازم به توضیح است که عوامل مرتجع مزبور که ماضیان در این روستا به خاطر افتاد، در برحوصه قیام با اعلام وفاداری به رژیم حنایکار شاه صریحا اظهار جان نشانی می کردند. اما خوشنشین های زینوند در صدد بازپس گرفتن حقوق از دست رفته شان

## خواسته های اهالی روستای مقصود آباد

نمازهای بهداشتی این روستا. ۳- چون اغلب اهالی این روستا به دلیل تعصبات مذهبی از تحصیل دختران خود در مدارس محلی جلوگیری می کنند، احداث مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان دخترانه و پسرانه بخور مستقل ضروری است. ۴- وام بدون بهره و کود و سم و تقسیم عادلانه آن بین اهالی زحمتکشان روستا.

هنوز در بسیاری از روستاهای ایران مردم با ابتدائی ترین مشکلات زندگی دستبزنند. نامه‌ای از روستای مقصود آباد شهرستان ساوه به دست ما رسیده است که در آن خواسته‌های رفاهی مردم به شرح زیر توضیح داده شده است: ۱- آب لوله کشی و برق. ۲- ساختن درمانگاه و تأمین سرم

## ضد انقلابیون و توطئه‌گران واقعی بختیاری چه کسانی هستند؟

همانطور که قبلا به اطلاع هموطنان رساندیم، پس از تحقیق درباره حیرت‌انگیز انقلاب در بختیاری توطئه می‌کنند " که در شماره ۱۸ نشریه کارچاپ شده بود، حقایق آشکار گردید و چهره واقعی ضدانقلابیون و توطئه‌گران که وابسته به رژیم گذشته بودند می‌خواستند با "انقلابی‌نمایی" و عوام‌فریبی ماهیت ضد مردمی خود را پنهان ساخته و بار دیگر برای خود موقعیتی دست و پا کردند و نیروهای مرفقی را اغتشاشگر معرفی نمایند، اما توسط خود مردم مبارز بختیاری پرده از روی اعمال ننگینشان برداشته شد.

برای آگاهی هموطنان از بابت واقعی افشاء توطئه‌های این عناصر ارتجاعی و ضد انقلابی شرح کامل وقایع را در اینجا به چاپ می‌رسانیم. پس از قیام شکوهمند خلق و سرنگونی رژیم منگور پهلوی، مثل بسیاری از نقاط دیگر ایران، ضدانقلاب در بختیاری نیز به تکرار برخاست تا شاید بتواند با تلاش‌های مدبوحانه خویش به هر رنگ و نیرنگی که شده است، با رد برگرم علیه خلق دستبده ایران وارد عرصه محیات حدید سیاسی کشور گردد. ضدانقلابیون این منطقه در صدد برآمدند تا با شیوه‌های روز و مردم پسند وارد معرکه عمل شوند. پس از ماهها تلاش و نگارپویی از شور و مشورت بسیار که با هم داشتند، قرار می‌گذارند با تشکیل انجمنی به نام انجمن مرکزی بختیاری به نیت سوءنقشه‌های پلید و شیطانی خود جامه عمل بپوشانند اما شناحتی که مردم بختیاری از گردانندگان این تشکیلات داشتند و می‌دانستند که اینها همان همکاران رژیم پهلوی و اکثر افعال ساواک بوده‌اند به خنکی کردند اقدامات کنیشتان می‌گوشد. گردانندگان اصلی انجمن به اصطلاح مرکزی بختیاری خود را در پس پرده پنهان کرده و تلاش می‌کنند تا بار دیگر شیوه‌های گذشته زندگی خود را که مبنی بر غارت و چپاول و انحصار طبیبی و غیره است بر مردم بجا بیاورند و بی‌پناه بختیاری تحمیل نمایند.

پس از قیام شکوهمند خلق و سرنگونی رژیم منگور پهلوی، مثل بسیاری از نقاط دیگر ایران، ضدانقلاب در بختیاری نیز به تکرار برخاست تا شاید بتواند با تلاش‌های مدبوحانه خویش به هر رنگ و نیرنگی که شده است، با رد برگرم علیه خلق دستبده ایران وارد عرصه محیات حدید سیاسی کشور گردد. ضدانقلابیون این منطقه در صدد برآمدند تا با شیوه‌های روز و مردم پسند وارد معرکه عمل شوند. پس از ماهها تلاش و نگارپویی از شور و مشورت بسیار که با هم داشتند، قرار می‌گذارند با تشکیل انجمنی به نام انجمن مرکزی بختیاری به نیت سوءنقشه‌های پلید و شیطانی خود جامه عمل بپوشانند اما شناحتی که مردم بختیاری از گردانندگان این تشکیلات داشتند و می‌دانستند که اینها همان همکاران رژیم پهلوی و اکثر افعال ساواک بوده‌اند به خنکی کردند اقدامات کنیشتان می‌گوشد. گردانندگان اصلی انجمن به اصطلاح مرکزی بختیاری خود را در پس پرده پنهان کرده و تلاش می‌کنند تا بار دیگر شیوه‌های گذشته زندگی خود را که مبنی بر غارت و چپاول و انحصار طبیبی و غیره است بر مردم بجا بیاورند و بی‌پناه بختیاری تحمیل نمایند.

پس از قیام شکوهمند خلق و سرنگونی رژیم منگور پهلوی، مثل بسیاری از نقاط دیگر ایران، ضدانقلاب در بختیاری نیز به تکرار برخاست تا شاید بتواند با تلاش‌های مدبوحانه خویش به هر رنگ و نیرنگی که شده است، با رد برگرم علیه خلق دستبده ایران وارد عرصه محیات حدید سیاسی کشور گردد. ضدانقلابیون این منطقه در صدد برآمدند تا با شیوه‌های روز و مردم پسند وارد معرکه عمل شوند. پس از ماهها تلاش و نگارپویی از شور و مشورت بسیار که با هم داشتند، قرار می‌گذارند با تشکیل انجمنی به نام انجمن مرکزی بختیاری به نیت سوءنقشه‌های پلید و شیطانی خود جامه عمل بپوشانند اما شناحتی که مردم بختیاری از گردانندگان این تشکیلات داشتند و می‌دانستند که اینها همان همکاران رژیم پهلوی و اکثر افعال ساواک بوده‌اند به خنکی کردند اقدامات کنیشتان می‌گوشد. گردانندگان اصلی انجمن به اصطلاح مرکزی بختیاری خود را در پس پرده پنهان کرده و تلاش می‌کنند تا بار دیگر شیوه‌های گذشته زندگی خود را که مبنی بر غارت و چپاول و انحصار طبیبی و غیره است بر مردم بجا بیاورند و بی‌پناه بختیاری تحمیل نمایند.

## به مزدوران اجازه توطئه ندهید

دادستان کل انقلاب اسلامی مدتی است که با تاحلیق نقشبندی روحانی ننگه اعمال با سابقه رژیم سابق بوده و یکی از عناصر برپا کننده تظا هرات چماق بدستان ستم سپن ماه ۱۳۵۷ بود که منجر به شهادت شش نفر از اهالی سی گاه گندگردد و دارای شان درجه ۳ همایونی از شاه مخلوع می‌باشد، پس از مدتی فرار به گند بازگشته و توطئه‌گری ضد مردمی را آغاز نموده است. حای بسی نعیب است که اینگونه جنایتکاران کسد مدارک و شواهد متعددی بسنی برخدمت آنها به رژیم سابق و عزتک معالنه شان

دادستان کل انقلاب اسلامی مدتی است که با تاحلیق نقشبندی روحانی ننگه اعمال با سابقه رژیم سابق بوده و یکی از عناصر برپا کننده تظا هرات چماق بدستان ستم سپن ماه ۱۳۵۷ بود که منجر به شهادت شش نفر از اهالی سی گاه گندگردد و دارای شان درجه ۳ همایونی از شاه مخلوع می‌باشد، پس از مدتی فرار به گند بازگشته و توطئه‌گری ضد مردمی را آغاز نموده است. حای بسی نعیب است که اینگونه جنایتکاران کسد مدارک و شواهد متعددی بسنی برخدمت آنها به رژیم سابق و عزتک معالنه شان

## نامه دهقانان سروآباد و گرگه‌ای به نخست وزیر (موضع دولت در برابر یورش فنودالها چیست؟)

وزیری، محمود محمودی، محمد ابراهیمی و توفیق یزدانی صادر کرده است. کشاورزان ادامه می‌دهند: "آقای فهیم، باید بدانند ما ۵ نفر نیستیم ۲۵۰۰ نفر بلکه بیشتریم اگر بنیاست تبعید شویم باید همه افسرد مذکور تبعید شوند."

مربیان - ماددهقان سروآباد و گرگه‌ای بار دیگر حملات و حشیانه و تجاوزکارانه سال ۱۳۴۵ را تاحمل نخواهیم کرد و در برابر هرگونه تعرض تا پای جان مقابله خواهیم کرد. این بخش از نامه‌ای است که بیش از ۵۰ نفر از دهقانان دوروستای فسوی در اجتماعی در شهر مربیان، به نمایندگی از ۲۵۰ نفر از اهالی قرا، مذکور خطاب به آقای بازگان نخست وزیر نوشته‌اند. در این نامه به تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۵۸ دهقانان ضمن اشاره به تعاون مالکین و ارسال ۲۵ که به کمک نوب و تانک ارتش انجام نند و تجاوز به مال و زندگی و معدسات آنها و تعصب زمینبایستان می‌نویسند: هیئت ۵ نفری انتصابی حمل اختلاف که آقای فهیم (بازپرس) نیز در آن شرکت دارد، خودسرانه حکم تبعید ۵ نفر از کشاورزان سروآباد و گرگه‌ای را به نامهای سید عبدالقادر حسینی، احمد

## شوراهای روستائی جاهای غصب شده را بازپس گرفتند

آقای قلا - روستاهای کرد، شفتالو باغ علیا، شفتالو باغ سفلی، تزلسی و قره تبه از توابع آق قلا، جدارا، جسدای شورای روستائی تصمیم گرفتند جاهای روستا را هم از فئودالها بازپس بگیرند این جاهایک سالها قبل به عنوان تاملین آب آتامدنی مردم منطقه با بودجه اداره آبیاری سابق خفر شده بود، باز و بند غاصبان به تصرف آنها درآمد و حدود ۱۲ سال برای آبیاری زمین های زیر کشت این غاصبان استفاده شده دهقانان همیشه حتی برای تاملین آب آتامدنی خود نیز در مصیقه بودند. این جاهای اکنون به کمک شوراهای روستائی که مرکب از نمایندگان واقعی زحمتکشان منطقه‌اند بازپس گرفته شده و روستائیان می‌خواهند از این جاهای به روستاهای خود لوله کشی کنند.

## اهالی چند روستای مرگور تشکیل شورادادند

ارومیه با آگاه شدن روستائیان زحمتکش به لزوم تشکیل و یکپارچگی خود به خاطر مقابله با زور و نیرنگ زمینداران، همروزه شاهد تشکیل شوراهای اتحادیه های جدید دهقانی هستم. اخیرا در روستاهای دیزج، گردوان کابر، گردک، زارآباد و خراسپ در منطقه مرگور نیز شوراهای دهقانی تشکیل شده است.

## خواسته های روستائیان بسیار از دولت

سنندج - روستای بسیاران یکی از دور افتاده ترین دهاب کردستان است که ۸ هزار نفر جمعیت دارد. اهالی این روستا در تاریخ ۵ تیرماه اجتمای برپا کردند و طی قطعنامه‌ای از دولت تقاضای رسیدگی فوری به خواسته‌های خویش را نمودند. مهمترین خواسته‌های روستائیان تاملین بزرگ و دارو، تاملین دبیران دوره راهنمایی، ساختن حاده تاشیر، ایجاد حمام، تاملین برون ده و بالاخره دادن وام سی سهره به زحمتکشان روستا است.

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

# پیام سازمان چریکهای فدائی خلق به : پرسنل مبارز و انقلابی ارتش

# چریکهای ساند نیست حمله گسترده خود را برای تصرف پایتخت آغاز کرده اند



گمارده اند. فردی که اهلانه هر روز برای پرسنل مبارز و انقلابی خط و نشان می کشد و آنها را تهدید به سرکوب و تصفیه می نماید و بنا به اهمیت خود نمی تواند در کنگره که پیش گذشته و آنچه امروز وجود دارد یک قیام بزرگ فاصله است. که در نتیجه آن توده ها آمیخته اند چگونه با تمام بندهای افسار و بندگی و قوانین ارتجاعی به مبارزه برخیزند.

فرماندهان باید مورد اعتماد سربازان، درجه داران، همافران و افسران حزبی که همه بار فشار و محرومیت بردوش آنها است باشند و نه هیچ نیروی دیگری.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه تأسیس و پشتیبانی از خواسته های برحق و عادلانه همافران و سربازان مبارز و انقلابی ارتش اعلام می دارد:

۱- تنها ارتشی می تواند حافظ استقلال واقعی میهن و مدافع دستاوردهای مبارزان انقلابی خلق باشد که اساس آن آزادی توده های مبارز و پرسنل انقلابی ارتش تشکیل شده باشد.

۲- در ارتش انقلابی و مردمی، شورای سربازان درجه داران، همافران و افسران جز' تنها مرجع تصمیم گیری درباره امور مربوط به خود خواهند بود. حق شرکت در تصمیم گیری فرماندهان و حق شرکت در تدوین خط میهنی و سیاستهای ارتش از حقوق اساسی آنهاست.

۳- تمام قراردادهای نظامی بین ایران و سایر کشورهای امپریالیستی هر چه سریعتر باید لغو شده و همه مستشاران خارجی باید از صحنه مآخراج گردند.

۴- توده های مبارز خلق هرگز اجازه نخواهند داد به بهانه تهیه لوازم جنگی برای مبارزین سلاخی که به قصد تبدیل ایران به زادارم آمریکا در منطقه خاور میانه تهیه شده، پیوسته و ایستگی به آمریکا و استخدام مستشاران کشورهای امپریالیستی را دوباره برگردانند.

۵- ما توطئه ایجاد دفاع و دوستی میان پرسنل جز' ارتش را شدیداً محکوم می کنیم.

۶- ما بر مزه خلق سلاح نیروهای انقلابی و مبارزین خلق را خرابی علیه آرمان انقلابی مردم تلقی کرده و از تهاجم نیروهای انقلابی و مبارز می خواهیم علیه جنس توطئه ها را به مقابله برخیزند.

۷- ما هرگونه توطئه جهت سرکوب پرسنل مبارز و انقلابی و منحوس و متعصب نسبت به اعمال فشار و احتیاج در ارتش را محکوم می کنیم.

۸- ما خواستار رسیدگی هر چه سریعتر به خواسته های همافران محترم و سربازان پرسنل مبارز و انقلابی که همواره سهم بزرگی در مقابله با مرتجعین و سرکوبگران بر عهده داشتند می باشیم.

۹- همچنین از پرسنل مبارز و انقلابی ارتش می خواهیم که با انعکاس وسیع و مکرر خواسته های انقلابی و مطالبات، اعلامیه ها و سایر وسائل مورد دسترس، هدفشان را به گوش همه مردم، سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی خاطر رسانند.

۱۰- ما نیروها، سازمانها و گروههای مترقی و انقلابی می خواهیم با انعکاس هر چه وسیعتر خواسته های پرسنل مبارز و انقلابی ارتش، عملیات مبارزه آنها را تیرک و از خواسته های آنها پشتیبانی نمایند.

نیروهای مرتجع و ضد انقلابی در ارتش باید بدانند که پرسنل مبارز و انقلابی در مقابل حرکت ارتجاعی آنها با تمام نیرو و توان خویش مقاومت کرده و ماهیت ارتجاعی این اعمال را افشا خواهند نمود.

در اس مبارزه عادلانه پرسنل مبارز و انقلابی مسلماً پشتیبانی توده های زحمتکش خلق را به همراه خواهند داشت و در اتحاد آنها در راه تحقق آرمانهای انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهن کام بر خواهند داشت.

شرط سروری حمی هر نیروی انقلابی و وحدت با توده های زحمتکش خلق است.

مستحکم باد و جد بر زنده نیروهای انقلابی و مبارز مرگ امپریالیسم آمریکا و سرکوب و سرکوبی و مبارز ارتش درود بر پرسنل انقلابی و مبارز ارتش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۲۲ تیرماه ۱۳۵۸

ارتش به هیچ وجه در جهت اهداف قیام توده ها بازسازی نمی شود. این واقعیتی است که در پیش چشم مادر حال تکوین و شکل گیری است و مسئله ای است که از قبل می شد آن را پیش بینی نمود.

این محافظه کاری و سازشکاری که دولت در پیش گرفته، نتایج طبیعی اش علیه کامل نیروهای ضد خلقی و احیای نهادهایی است که مردم به خاطر نابودی آن قیام کرده اند و بازسازی مجدد ارتش به شیوه سابق خود نمونه ای از آن است.

اکنون مبارزهای آشکار و پنهان با حدت هر چه تمامتر میان نیروهای انقلابی و ترقیخواه جامعه و مدافعین دستاوردهای قیام و ادامه آن تا محو کامل سلطه امپریالیسم از یک سو و از سوی دیگر نیروهای مرتجع می خواهند بازگشت ترمیم و بازسازی نهادهای گذشته می باشند، در تمام زمینه ها در جریان است.

بدون شک نتیجه این مبارزه سرنوشته ساز، انقلابیها می بخش خلق ما است.

دولتی که نمی تواند انقلابی باشد و از عمل انقلابی توده ها پیش از توطئه گیری های عوامل وابسته به امپریالیسم در هراس است، دولتی که هر روز نیروهای انقلابی و مبارز را مورد حمله قرار داده و از مبارزه حق طلبانه کارگران، دهقانان و زحمتکشان به عنوان ضد انقلاب یاد می کند، دولتی که شتابان در راه بازسازی و ترمیم خرابی های سرمایه داری و استه گام برمی دارد و خسارات سرمایه داران وابسته را از یک سو مردم برداشت می کند و در پاسخ به خواسته های حق طلبانه خلقهای ستمدیده جنگ و دندان نشان می دهد و در ادب و تلوین و تلوین مدام دست به انتشار اخبار غریب واقعی و تحریک آمیز علیه نیروهای مترقی و انقلابی می زند.

چنین دولتی مسلماً بازسازی ارتش را همان آتش نامه هسا نظام نامه های ارتجاعی گذشته و طیفه خود می داند.

هم اکنون هزاران نواز پرسنل مبارز و انقلابی ارتش در راه س آنها همافران به اعتراض علیه اعمال شیوه های ضد انقلابی و سرکوبگرانه دست به اعتراض و تحصن گسترده ای در سراسر ایران زده اند و دامنه ای بگونه اعتراض روز به روز گسترش بیشتری می یابد. اعتراضی که منکس کننده خواسته های رده های پایین ارتش است. نیروهایی که در تمام طول حیات اسارتی در جزیره محرومیت و عقاب سهمی نبرده اند. و پرسنل انقلابی ارتش از میان آنها بر جسته اند. و بدین که آنها در دوران قیام

و به ویژه همراهان مانده های تمام گذشته در روزهای ۲۲ و ۲۱ تیرماه به مقابله با توطئه های فرماندهان مزدور و خود فروخته و سرخاستند و همستگی انقلابی خود را با خلق درمیان نبرد با دشمن مشترک به عالیترین شکل نشان دادند.

خلق ما با دقت قهرمانی های پرسنل مبارز و انقلابی ارتش با د جانبازان پادگان لوزان و نیروهای و صدها شهید گمنام دیگر را در قلب بزرگ خویش جاودان ساخته است.

اما امروز آنها که همچون شرکت عملی و واقعی در مبارزات خونین مردم ندانند و تنها فرصت طلبانه در کمین بودند تا هنگام سر آمدن پیروزی آن را برای خود مطالبه نمایند، همچون سیه چینیان انقلاب پستیهای فرماندهی را اشغال کرده اند و پرسنل انقلابی و مبارز را که برای پیشبرد انقلاب و محتوم آتار نظام و ایستگی در ارتش مبارز می کنند را دشمن خود می شمارند.

دسته دیگری از فرصت طلبان و سیه چینیان انقلاب با حمله به تظاهرات مسالمت آمیز کارگران و زحمتکشان نظیر آنچه در اصفهان و خرم دره اتفاق افتاد، از طریق گروههای فشار و عناصر ترسناک شده، توده های اصلی شرکت کنند در قیام راه خاکسپاری خون می کشند.

آنها با تهورهای انقلابی کارگران و دهقانان و سراسر زحمتکشان سرخاسته به مخالفت برخاسته اند.

تلاش در جهت لکه دار ساختن حسرت نیروهای انقلابی و مبارز در اذهان توده ها و به راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه آنها ایجاد گروههای شبه فاشیستی فشار علیه نیروهای دموکراتیک و انقلابی و استفاده از ادب و تلوین و تلوین جهت تحریف حقائق و تحریک مردم علیه خلقها و انقلابیون واقعی، تدوین و تصویب قوانین ضد دموکراتیک نظیر قانون 'جرایم ضد انقلاب' که نسخه بدل قوانین رژیم سرنگون شده است و لایحه مطوعات و پست - نوسن گذاری قانون اساسی ... و نمونه های دیگر از عملکردهای این گروه است.

اکنون نیروهای حاکم با زر فشار قرار دادن پرسنل مبارز و انقلابی ارتش جهت پذیرش اطاعت کورکورانه از ما و سوز و تشبیه نظامنامه ها و آتش نامه های ارتجاعی گذشته، می گویند تا حرکت غیر دموکراتیک و ضد انقلابی خود را در جهت بازسازی و ترمیم مجدد ارتش بر اساس همان روابط و ضوابط ضد خلقی تداوم بخشد. در این مسیر طرح عفو عمومی جانشین به خلقی در ارتش را به مورد اجرا کرده و عالیه اعلام حریمهای مکرر می کند علیه عناصر معلوم الحالی تلنر فلاحی می شود. توجه نمی کنند دولت سازشکار موجود زر سوش ضرورت استفاده از وسایل پیچیده و پیشرفته ارتش که تنها به درد حفظ مقام زاندار مری ایران در منطقه می خورد. می گویند و ایستگی نظامی ایسرا را همچنان به امپریالیسم آمریکا و مستشاران نظامی آنها حفظ کند و به همین دلیل از لغو قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا سرباز می زنند به بهانه ناز به گادری منحصم! همچنان مبردهای مرتجع و سرسپرده همان ارتش شاهنشاهی نظیر فرید که سالها پیشه شناختنی سبته گذشته منقول بود و فلاحی که حر' عوامیل کشتار مردم شراز می باشد و با همه همکاری نزدیک با ارتش آمریکا در پیتم داشته، در پستیهای فرماندهی ارتش قرار دادند و از سوی دیگر افراد بی صلاحیت و نادانی چون امر رجیمی که می خواهد با سرکوب پرسنل انقلابی به هر قیمت که شده اطاعت کورکورانه راه ارتش باز گرداند، راه فرماندهی در زمان

زمانی استعفا می دهد که چریکهای ساندی نیست گارد ملی و حزب لبرال وی را منحل نکنند. سومرا گفت امریکانیز با شراکت استعفا می بومی است. اما نتوانست است موافقت چریکهای ساندی نیست را با شراکت خود جلب کند. یک سخنگوی ساندی نیست ها در سان حوزه پایتخت کومستار گفت: انقلابیون نیکارگوا و مردم این کشور شرایط سومرا دیکتاتور را نخواهند پذیرفت. این سخنگو گفت: "شورای موقت پنج نفری ساندی نیست ها حاضر نیستند حزب لبرال سومرا در دولت موقت آئینده شرکت داده شوند." این سخنگو گفت: "گارد ملی پس از برکناری سومرا منحل می شود و یک ارتش جدید از ساندی نیست ها و سربازان و افسران که علیه مردم جنایتی نکرده اند ایجاد خواهد شد."

چریکهای ساندی نیست با موفقیت کامل به حمله های گسترده خود در جهت تصرف ماناگوا پایتخت نیکارگوا ادامه می دهند در پی رد پیشنهاد 'مریخ' از سوی چریکهای ساندی نیست هواپیماها ی گارد ملی نیکارگوا به بمباران مناطق مسکونی مبادرت کرده اند. به گفته اس خبرگزاری در بمباران شهرمانا سایدست و هفت کیلومتری جنوب ماناگوا توسط هواپیماهای گارد ملی تسخیر شد. بسیاری از افراد غیر نظامی کشته شدند. همچنین گزارش داد هواپیماهای نیروی هوایی اناساز سومرا دیکتاتور نیکارگوا در بمباران مناطق مسکونی از سبهای آتش را استفاده کرده اند از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری ها چریکهای ساندی نیست که تاکنون به سروری های چشمگیری دست یافته اند خود را برای حمله به پایتخت نیکارگوا آماده می کنند. در این حال خبرگزاری ها از سان حوزه گزارش دادند اناساز سومرا دیکتاتور نیکارگوا در یک محاصره تلوین و تلوین باردیگر آماج خود را برای کناره گیری اعلام کرد اما گفت

## پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جبهه آزادیبخش...

کدبتوان با نیروی عظیم و خلاق توده های کارگر و زحمتکش شهروستاز میهنه ساختمان یک جامعه سوسیالیستی را فراهم کرد. مادران مبارزه حمایت و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزه خلق نیکارگوا علیه اعلام می نمائیم و اطمینان داریم مبارزه خلق نیکارگوا و دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندینستام سورد تأیید همه انقلابیون و کشورهای انقلابی قرار می گیرد.

سازمان ما معتقد است تنها ناپسند انونوی خلق نیکارگوا و دولت موقت انقلابی به رهبری جبهه ساندی نیست ها می باشد و از این جهت مصرا نه کوشش می کنیادین مسئله از طرف دولت ایران پذیرفته شود. رفقای رزمنده! مبارزه مشترک خلقهای نیکارگوا و ایران هنوز راه درازی در پیش دارد. راهی کامل از سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه خواسته های برحق کارگران و زحمتکشان و ایجاد یک جامعه آزاد و مستقل و دموکراتیک

کارگران کارخانه های کرایسلر انگلستان دست به اعتصاب زدند در هفته های اخیر موج اعتراضات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستزد بالا گرفته و دولت جدید محافظه کار را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. در هفته دوم سرمایه حدود ۲ هزار نفر از کارگران کارخانه "ویتون" برای رسیدن به خواسته هایشان دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب کارگران قسمت بسته بندی قطعات صادراتی به کارخانه ایران ناسیونال نیز از روز ۱۹ تیرماه به آبان بپوستند. همزمان با این اعتصابات مذاکرات برای رسیدن به توافق در کارخانه های دیگر این گروه صنعتی ادامه داشت تا آنکه به علت آنکه مذاکرات سن کارفرمایان و کارگران به نتیجه نرسید کارگران قسمت موتور سازی این گروه نیز که حدود ۲۵۰ نفر هستند از ۲۰ تیرماه دست به اعتصاب زدند و اعلام کرده اند که تا پذیرفته شدن خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

# حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی



